

بخش ۵ : برخورد گروهها و احزاب

www.iran-archival.com



اطلاعیه مجاهدین خلق ایران

درباره

دستگیری و تعویذ محاکمه پرچمدار خودنای

فرصت طلبانه برای به سازمان مجاهدین

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران

چنانکه عموم مردم قهرمان ما و بویژه اقشار آگاه و روشنفکر مطلقند، در سال ۵۴ یک جریان انحرافی چپ نما با اعمال روشهای ضدانقلابی بر سازمان مجاهدین خلق ایران مسلط شده و با سوءاستفاده از ضیبت بنیانگذاران شهید و سایر مسئولین مرکزی سازمان که در آن موقع در زندانها و شکنجه گاههای رژیم شاه بسر میبردند، تشکیلات یکپارچه مجاهدین خلق ایران را بطور موقت متلاشی نمود.

جریان مزبور در مسیر سلطه طلبی فرصت طلبانه خود به کثرت شماری از مجاهدین اصیل اقدام نمود و مهمترین از این اسباب نفاق و اختلاف درونی نیروهای خلقی رایج بالاترین درجه فراهم کرد.

همان تفرقه ضدانقلابی که آثار ارتجایی آن هنوز نیز دامگیر بسیاری از نیروهای باصلاح مسلمان است

و به بهترین صورت مورد استفاده امپریالیست ها - این غدارترین دشمنان خلق، قرار می گیرد.

لکن خوشبختانه مجاهدین واقعی توانستند با وحدت و تشکل افزایشده خود در مسیر یک کار پیگیر مکتبی و

انقلابی با اپورتونیسیم مبارزه کرده و آنرا سرانجام مغلوب سازند. اطلاعیه ۱۴ ماده ای تعیین مواضع سازمان مجاهدین

خلق ایران در برابر جریان انحرافی اپورتونیستی چپ نما که تدوین آن بلا فاصله بعد از ضربه سال ۵۴ آغاز شده و کتاب

" تحلیل آموزشی بیانیه اپورتونیست های چپ نما " و کتاب " آموزش و تشریح اطلاعیه تعیین مواضع "

(از انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران) گواه تمام عیار این مبارزه پی گیر بوده و تمام جریان را از ابتدا تا

انتهای بتفصیل بررسی نموده است. تشریحاتی که بحق میتوان آنرا ادعای نامه مجاهدین خلق ایران در برابر جریان

انحرافی و سردمداران و دست اندرکاران آن خواند. یعنی همان ادعای نامه انقلابی و مکتبی که کلیه مواضع سیاسی -

ایدئولوژیک مجاهدین خلق ایران را در این رابطه بدقت اعلام کرده است.

اکنون بدنیال دستگیری محمد تقی شهرام، پرچمدار جریان انحرافی فوق الذکر و اعلامیه ای که سپاه پاسداران در

این مورد صادر کرده است و با توجه به اصول مقدس عقیدتی اسلام مواضع خود را در قبال دستگیری و نحوه محاکمه

بشرح زیر اعلام میداریم:

۱ - از آنجا که کلیه جرائم ارتکاب شده از جانب متهم مستقیم یا غیر مستقیم در ارتباط با مجاهدین خلق

ایران بوده است حضور نماینده سازمان در کلیه مراحل تحقیق و محاکمه ضروری است. حضور و نظارت نماینده سازمان

در کلیه مراحل تحقیق بخصوص از این جهت ضروری تر میشود که ما اعتقاد چندانی به دستگاه های کنونی تحقیق

که از جمله مسئول توطئه دستگیری و شکنجه برادر مجاهد اسیر مان بنید محمد رضا سعادتئی هستند نداریم و آنها را

بلحاظ رخنه عناصر مشکوک و ارتجایی دقیقاً " نفوذ پذیر یافته ایم. بدیهی است که حساب عناصر مشکوک و مرجع

مطلقاً " از حساب رزمندگان راستین پاسدار و سایر جوانمردان ما مور خدمت در این دستگاهها جداست.

۲ - محاکمه متهم بایستی در دادگاه خلق و از طریق هیأت متصفه مرکب از نمایندگان طبقات و اقشار مختلف خلق رنج دیده ماباشد . در غیر این صورت هیچ دادگاه دیگری برای قضاوت در این مورد صلاحیت ندارد . چرا که جرائم منتسب به نامبرده جرائمی است مربوط به کل خلق و انقلاب ایران که از طریق خدشه دار کردن و آسیب رساندن و متلاشی نمودن یک سازمان انقلابی مردمی متحقق شده است . باشد که عملکرد ضد مردمی وی در معرض قضاوت عموم طبقات مردم محکوم گردد . والا صرف انهدام جسمی او به هیچ وجه مطمح نظرمان نیست . بنابراین مجاهدین خلق ایران در و رای هر نوع کینه کشی و خونخواهی و انتقام جوئی فردی و گروهی ، قبل از هر چیز خواستار محکومیت عمومی طرز عمل ها و برخوردهای انحرافی و ارتجاعی هستند .

۳ - دقیقا در همین رابطه هشدار می دهیم که هرگونه سوء استفاده ارتجاعی عناصر و احزاب راست گرا از جریان تحقیق و محاکمه متهم از پیش محکوم بوده و در حقیقت چیزی جز تکرار بیشترانه همان جرائمی که متهم به خاطر آن محاکمه می شود نیست . تاکید ما بر این هشدار بویژه از این جهت ضروری است که طبیعتا نیروهای ارتجاعی همچون گذشته در صدد برخورد آمد تا بر طریق در جهت خدشه دار کردن و بی اعتبار ساختن و متلاشی کردن مجدد نیروهای اصیل مردمی منجمله مجاهدین خلق ایران ، دستاویز بجویند . کما اینکه ما امروز چند سال پس از کشته شدن اعضايمان بدست فرصت طلبان چپ نما شاهد اسارت و شکنجه عضو دیگری بدست مرتجعین راست گرا هستیم .

زمینه هشدارهای فوق تجربه ننگین دادگاه آرش و تهرانی است که در یک مرحله به جلسه محاکمه نیروهای انقلابی و شریف ترین مجاهدین جان برکف این خلق بخصوص شهید و الامقام مرتضی صمدیه لیاق، تغییر صورت داده بود . همان جلسه ای که خانواده های شهدا نیز در محوطه بیرونی دادگاه با اختناق آمیز ترین برخورد مواجه شدند .

۴ - تحقیقات و محاکمه متهم نیابستی وسیله دامن زدن به شعله های جنگ، صلیبی وایدئولوژیکی گردد که هم اکنون امپریالیست ها و دست نشانندگان داخلی آنها به تاکید در صدد آن هستند . مادر درجه اول چنانکه گفتیم خواستار محکوم کردن یک مجموعه عمل انحرافی سیاسی هستیم . طرز عملی که در بحبویه نبرد ضد امپریالیستی تمام خلق با انگشت گذاشتن بر تضادها و اختلافاتی که در این مرحله اصلی نبودند مبارزه را از مسیر اصولی خود منحرف نمود و علیه خدا اکنون نیز نباید اجازه داد که محاکمه این نحوه نادرست عمل به جنگ مذهبی و غیر مذهبی تبدیل شود ، یعنی همان چیزی که دشمنان خلق دقیقا خواستار آنند ، تا مبارزه ضد استعماری آمریکائی فراموش شود .

۵ - هرگونه شکنجه ، اهانت و رفتار غیر انسانی را بایستی در مورد متهم ممنوع کرد .

مجاهدین خلق ایران

۱۳ / تیر / ۵۸

خطاب و هشدار به تمام توده‌های آگاه خلق،

به تمام خانواده‌های شهدا،

به تمام نیروهای دمکرات و انقلابی

و به تمام نیروهای مارکسیست - لنینیست!

درباره دستگیری تقی شهرام

و هدفهایی که میوه چنان انقلاب در این رابطه دنبال می‌کنند
تقی شهرام که بود؟

چرا از بخش منشعب سازمان مجاهدین خلق ایران اخراج شد؟ ...
و امروز چه کسانی صلاحیت و حق قضاوت در مورد او را دارند؟

تقدیم ملاح کمبری و بیسم و مسائل دیگر در اردیبهشت ماه
۵۲ از زندان قرار کند و به برادران خود پیوندد. او
پس از پیوستن به همزمان خود، عملاً در کنار رهبری سازمان
قرار گرفت.

ما با اشتباهات و انحرافات وی چگونه برخورد کردیم؟

او در طی تفهیر و تحولات درونی که ما قبلاً توضیحات
مربوط بدان را داده‌ایم (۳) در رأس بخش منشعب از سازمان
مجاهدین خلق ایران (س.م.خ. ۱۰) قرار گرفت (بر خلاف
شایعاتی که مبنی بر تفهیر ایدئولوژی وی در زندان وجود
دارد، او در طی همین دوره بود که تفهیر ایدئولوژی داد
او در جریان انحرافات و حوادث نامشرفی که در این
رابطه بوقوع پیوست، نقش اساسی و تعیین کننده داشت.
... پس از بروز طعنه‌ها و انتقادات بر علیه انحرافات گذشته

بخش منشعب از (س.م.خ. ۱۰) در سال ۵۶ و ۵۷ (مراجعه شود به
اسنادی که قبلاً متذکر شدیم) چگونگی برخورد به اشتباهات
و انحرافات وی که تقی شهرام در رأس آن قرار داشت، دارای
اهمیت اساسی بود. موضعگیری ما در مقابل وی بر این اساس
قرار داشت که این اشتباه و انحراف در اردوی انقلاب
مورت گرفتند است و مسائل ناگواری که در این رابطه پیش
آمده در مسیر مبارزه بر علیه شاه غاشن و امپریالیسم آمریکا
بوده است. اگر تقی شهرام با ارتکاب اعمال فدائولایی، به
شروهایی مبارز غربی زده بود، در همین حال با قرار خود از
زندان، با داشتن نقش فعال در طراحی اعدای انقلابی
مردم زندی پور (مردوم) و سرنگهای (خون آشام مردوم)

صبح روز سه شنبه مدای جمهوری اسلامی ایران، خبر
دستگیری تقی شهرام، رهبر سابق بخش منشعب از سازمان
مجاهدین خلق ایران، را اعلام کرد. در همان اولین اعلامیه
دادستانی، با وضوح تمام، هدفهای واکه گردانندگان ایر
از این موضوع دنبال میکنند، بچشم می‌خورند و به همین جهت،
افشای این هدفها و توضیح درباره چگونگی برخورد درست و
انقلابی باین مسئله، صرف نظر از داشتن هرگونه اختلالات
سیاسی ایدئولوژیک یا تقی شهرام، وبدون اینکه انحرافات
و اشتباهاتی که وی در رأس قرار داشته است فراموش شود،
اگرست لازم و ضروری، و از این دیدگاه، ما بدون اینکه
اختلافات و مرزبندیهای سیاسی - ایدئولوژیک خود را با وی
فراموش کنیم، در این باره موضع خود را اعلام مینماییم.

نگاهی بزندگی سیاسی تقی شهرام

تقی شهرام در سال ۱۳۲۷ به عضویت سازمان مجاهدین
خلق ایران درآمد و یکی از گارد های فعال این سازمان بود
در سال ۱۳۵۰ به همراه عده زیادی از اعضا و رهبران سازمان
به امارت مزدوران رژیم شاه جلا در آمد. در زندان، پس از
شکل شکنجه سرانجام همراه با حدود ۱۰ نفر دیگر از مجا
هدین به پای سبز محاکمه در دادگاه اول مجاهدین خلق
ایران (که رژیم مقاصد خاصی را از آن دنبال میکرد) کشیده
شد. در این دادگاه تقی شهرام، با اینکه میتوانست بسا
قدری کوتاه آمدن، محکومیت خود را به حداقل ممکن برساند
ولی با برخورد انقلابی خود و به بهای ۱۰ سال زندان در رژیم
و در این دادگاه همراه با دیگر مجاهدین پر شور، افشا
شود.

پس از چندی به علت درگیریهای فراوانی که با مزدوران
زندان قهر داشت همراه با رفیق شهید حسین عزیزی زندان
سازی منتقل گشت (در واقع شهید شد).

او در زندان به همراه رفیق عزیزی، و با جلب نظر
رفیق احمدیان (معاون زندان سازی) نسبت به اهداف انقلابی
شود، خوانست با تفاق در رفیق فوق الذکر و با معادله ۱۸

(۳) مراجعه شود به جزوات: "اطلامیه مهراه ۵۷" (بخش منشعب
از س.م.خ. ۱۰) و "اطلامیه" توضیحی در ستان ۵۷ - ما و نظرات
ما در مورد تفهیر و تحولات درونی سازمان مجاهدین خلق
ایران (منتشره در اردیبهشت ۵۸).

آمریکائی و... ضربات شدید برپیکر امپریالیسم و ارتجاع وارد آورده بود. بنابراین برخورد به وی نباید بی اساس برخورد های خصمانه و قهرآمیز، که تنها در مورد ضد انقلاب و دشمنان خلق جایز است، صورت میگرفت. بلکه این برخورد میبایست بر اساس یک برخورد انتقادی و افشاگرانه نسبت به مواضع انحرافی وی و محکوم کردن این مواضع عملی میگشت. از نظر ما این شیوه ایست که در مورد اشتباهات و انحرافات سیاسی - ایدئولوژیک هر مبارز میباید و پایه قرار میگیرد. بدین ترتیب که با توجه به میزان و اهمیت اشتباه و انحراف یا بایستی آنچنان شرایطی برای یک مبارز فراهم گردد که او با اشتباهات خود بی ببرد (که این کار میتواند بسته به میزان و اهمیت موضوع، از استفاده ساده تا گرفتن مسئولیت و تغییر مدار مسئولیت تا فرستادن به اردوی کار و... تغییر کند) و با سازمان و تشکیلات، توأم با افشاکاری لازم سیاسی - ایدئولوژیک در سطح جنبش اخراج گردد.

ما با توجه به تحلیلی که از قضا یا داشتیم. اوزار بخش منشعب (س.م.خ.ا) اخراج کردیم و ماهیت جریان را که و تا آن زمان نمایندگی میکرد، در سطح جنبش افشا نمودیم. و امروز ما بدون اینکه ذره ای در حقانیت مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک خود و دیگر نیروهای انقلابی و مرفقی بر علیه تفکر و جریان انحرافی که تقی شهرام نمایندگی کرده است تردید داشته باشیم، بدون اینکه لحظه ای اشتباهات و انحرافات افشاکاری را که وی مرتکب شده است فراموش کنیم، و بدون اینکه ذره ای در مرز بندی و اختلاف ایدئولوژیک و سیاسی خود با وی تردید داشته باشیم و بالاخره بدون اینکه حتی این احتمال را از نظر دور بداریم که بدلیل اختلافات ایدئولوژیک - سیاسی که ما با وی داریم اوبه موضعگیری علیه ما کشیده شود، لازم میدانیم در اطراف این مسئله توضیح دهیم که چه کسانی حق نظر، قضاوت و توانائی برخورد سالم با این قضیه را دارند و چه کسانی ندارند. با این قضیه از چه زاویه ای باید برخورد نمود و... همین طور توضیح دهیم که گردانندگان و کارگردانان فعلی چگونه میخواهند از این قضیه سوء استفاده کنند.



قبل از پرداختن به تفصیلاتی که گردانندگان چنین اموری از دستگیری تقی شهرام دنبال میکنند و قبل از بررسی این موضوع که چه کسانی صلاحیت و حق نظر در این باره را دارند لازم است اشاره ای بنحوه برخوردی که تا قبل از قیام بهمن ماه در رابطه با تحولات درونی سازمان مجاهدین خلق (سال ۵۴ - ۵۲) صورت گرفته است اشاره کنیم. در این باره اساساً از دو موضع برخورد شده است:

برخورد اول که عمدتاً از جانب نیروهای مرفقی و انقلابی عام از مذهبی و مارکسیست لنینیست صورت گرفته، حول محکوم کردن و افشای ماهیت این اشتباهات و انحرافات و تا حدودی درس آموزی از آن بوده است. این نیروها بدرستی معتقد بوده و هستند که اساساً اشتباهات و فحاشیات تا مسلف انگیزی که در اردوی انقلاب و در جریان یک مبارزه انقلابی بر علیه ارتجاع و امپریالیسم بوجود میآید، ماهیتاً با اعمالی که ضد انقلاب همیشه و همواره بر علیه خلق انجام میدهد، تفاوت فاحش دارد و این دو را در کنار هم گذاشتن بمعنسی مخدوش کردن ضد انقلاب و ضد انقلاب و در نتیجه افشادن بدام ضد انقلاب است که همیشه سعی دارد اشتباهات و افتخارات نادرست در ضد انقلاب را برجسته و بزرگ و از آن بیزاران عثمانی برای کوبیدن انقلابیون درست کند - کاری که رژیم شاه بارها و بارها میکرد. همینطور این نوع اشتباهات و

انحرافات اسف بار با جرائم عادی که از جانب افراد و عناصر غیر سیاسی صورت میگردد، قابل قیاس نیست. اما برخورد دوم، که از جانب قشریون مذهبی و تسلیم طلبان و سازشکاران مذهبی و اپوزونیستها و روبریونیستها صورت میگرفته بهیچوجه نمیتوانست بنا بر ماهیت خود، اولاً اشتباهات ضد انقلاب از ضد انقلاب را تمیز دهد، ثانیاً، بین این نوع اشتباهات و انحرافات هر چند بزرگ و جرائم عادی تفاوت قائل شود. بهمین خاطر آنها نه فقط بلافاصله در دامین زدن با اختلافات درون خلقی و برآه انداختن جنگ عقیدتی بهمان راههایی متوسل میشدند که خود آنرا بلافاصله انحرافی میدانستند، بلکه بدتر از آن بدام تبلیغات حساب شده و کارزار تبلیغاتی رژیم شاه خاش بر علیه انقلاب - بیون و مارکسیست - لنینیست ها میافتادند.

اینها قبل از اینکه بر علیه این انحرافات و ماهیت آن مبارزه کنند و نشان دهند جریان انحرافی که تقی شهرام در رأس آن قرار داشت، جز به تفرقه در میان نیروهای انقلاب منجر نمیشود و جز راه انداختن کارزار جنگ عقیدتی و تضعیف جنبه انقلاب شمری ندارد و... زهمین پیشا مدهسا برای تفرقه افکنی در میان نیروهای انقلاب و آتش افروزی ایجاد و گسترش جنگ عقیدتی در بین خلق و... استفاده کردند (و میکنند). بسیار و حتی اکثریت سردمداران که در برآه انداختن این کارزار تبلیغاتی همزمان و همگام با رژیم بر علیه انقلابیون مارکسیست - لنینیست شرکت میکردند، در مبارزه و مقابله با جنایات رژیم شاه خاش سکوت مزورانه ای را در پیش گرفته بودند. و بدین ترتیب، ماهیت تفکر تفرقه افکنانه و ضد انقلابی اعمالی که بلافاصله از جانب اینها محکوم میشد، با تزلزل و تسلیم طلبی در مقابل ارتجاع و امپریالیسم، یکجا در وجود این مدعیان و فرصت طلبان جمع میشد.

درست است که در میان این بخش بسیاری از مبارزین نیز وجود داشتند که قادر بیک برخورد صحیح با این شروع مسائل نبودند، ولی سردمداران اصلی این جریان عمدتاً از سازشکاران و تسلیم طلبان (بخصوص مذهبی) تشکیل میشدند که یا در خارج کشور در کنایات زندگی راحت خود به حرفی در انجمنهای اسلامی میپرداختند و یا در داخل شاهد و ناظر بر بیطرفی جنايات و خیانت های رژیم شاه خاش بودند: آنها در حالیکه شاهد دهنش های رژیم شاه خاش بر علیه انقلابیون بودند و مشاهده میکردند که زحمتکشان چگونه در مقابل فشار رژیم شاه بزانو درآمده اند، چگونه در خانه محدود شده اند زحمتکشان را که با فروختن تکنولوژی و کوشاها های همسرانشان و اثاث منزل خود تهیه کرده، به سر آهنگها خراب میکنند. آری با مشاهده و آگاهی بر همه اینها، حاضر نبودند حتی یک قدم جدی در راه خلق، در راه مبارزه بر علیه رژیم شاه خاش بردارند، بلکه برعکس با حرص و ولع تمام با ستشما زحمتکشان در کارخانه ها میپرداختند، با استفاده از موقعیت "مناسی" آنکه برایشان پیش آمده بود آزمندان و با حرص و ولع تمام به زمین بازی و بورس بازی بر روی اراضی متوسط و بزرگ میپرداختند و بدین ترتیب در غارت خلق ما و در وارد آوردن ضربه بآنها شرکت میکردند، آری اینان هر قدر که در مبارزه با رژیم شاه حسابگوتروسی و بزدل بودند، در عوض در استثمار و غارت نیروی کار زحمتکشان حریص، و در مبارزه بر علیه کمونیستها و انقلابیون، توانا و با حرات بودند! آنها گاه حتی، سکوت و تسلیم خود، در مقابل رژیم شاه را با این عنوان که "مبارزه بر علیه کمونیستها مقدم بر مبارزه با رژیم است" تشریح میکردند آنها در راه مبارزه بر علیه کمونیستها حتی حاضر نبودند دست اتحاد بسوی رژیم و ساواک دراز کنند! آنها حاضر

بودند برای لطمه زدن به حیثیت نیروهای مارکسیست - لنینیست، بدترین و بیشمارانه ترین دروغها را به آنها نسبت دهند، یک روز شایع میگردند ۱۵ نفر در بخش منشعب س.م.خ.ا. تصفیه خونین شده اند، روز دیگر چند نفر را کم و زیاد میگردند... چیزی که امروز نیز بیشمارانه تکرار میکنند، آنها با تکیه بر اظهارات تهرانی جلاد!!

اما امروز ببینیم:

چگسائی تقی شهرام را دستگیر می کنند؟

ماهیت آنان چیست؟ وجه هدفی را دنبال می کنند؟

سیاستی که آنها در رابطه با دستگیری تقی شهرام دنبال میکنند، با توجه به ماهیت کارهایی که تاکنون نسبت به نیروهای انقلابی و بخصوص مارکسیست لنینیستها انجام داده اند، از پیش معلوم است. برآه انداختن کارزار تبلیغاتی بر علیه انقلابیون و نیروهای جنبش کمونیستی و آتش زدن و دامن زدن به برخوردهای عقیدتی و برانگیختن نیروهای خلق بر علیه هم، و با ملاحظ منفرد نمودن نیروهای انقلابی و مارکسیست لنینیست در بین خلق، نیروها نیکه گویا بیدجوری مزاحم بورژوازی حاکم و قشویون جنگ افروز و ارتجاعیون و انحمارطلبانی که در راه حفظ مناسبات و نهادهای گنبدیده سرمایه داری وابسته میگویند و بر موج مبارزات پرشکوه دمکراتیک و فدا میریالیستی توده های خلق ما سوار شده اند، گردیده اند.

اگر حتی تهرانی دژخیم میتواند در پیش بردن اهداف آنها در خدمتشان قرار گیرد، اگر کارشناسان ساواک که کار گزار منفورترین و سیاه ترین رژیمهای وابسته با امپریالیسم در طول تاریخ بوده است، میتواند باین هدف آنان خدمت کند، پس بطریق اولی اشتباهات و انحرافات که تقی شهرام در جریان مبارزه انقلابی و فدا میریالیستی مرتکب شده است میتواند بهترین مستمک آنان در این کارزار تبلیغاتی قرار بگیرد. اثریک دژخیم ساواک که شرح تک تک جنایاتش باید زمینه افشاکری امپریالیسم و تریبیست سیاسی ایدئولوژیک توده های خلق علیه چنین دشمنی که ساواک و امثال تهرانی را سالیان دراز وسیله سلطه خویش و غارت خلقهای ماقرار داده است، بشود، چنین نمیشود، و درست برعکس وسیله ای در جهت حمله علیه انقلابیون امیل و پاک باخته میشود، پس دیگر اشتباهات و انحرافاتیکه در جریان مبارزات انقلابی و فدا میریالیستی پیش آمده است جای خود دارد و از قبل روشن است که چه مستمک خوبی می تواند برای آنان بشمار رود. ولی مسلما این مورد هم، مانند بسیاری تشبثات ارتجاعی ای که تاکنون شده است، به شکست منجر خواهد شد و سرآنان بستگ خواهد خورد. دلایلش بسیار روشن است. کسانی هم اکنون این قضیه را مستمک قرار داده اند و تقی شهرام را دستگیر میکنند که خود در همین مدت کوتاه پنج ماهه همان شیوه ها و اعمال تفرقه افکنانه ای را دنبال کرده اند که تقی شهرام دنبال میکرد، با این تفاوت که هزاران مرتبه بدتر از آن و فاجعه آمیز تر از آن، با این تفاوت که انحرافاتیکه تقی شهرام نمایندگی کرده است در برابر مبارزه قاطع بر علیه امپریالیسم و ارتجاع بوده ولی اعمال تفرقه افکنانه و ضد انقلابی اینان در برابر عقیم کردن مبارزات خلقهای ما، در برابر سازش با امپریالیسم، در برابر جریان روبرقهقرا صورت گرفته است؛ دامن زدن به تضادهای عقیدتی و تضادهای درون خلقی، به بن بست رساندن مبارزه دمکراتیک

و فدا میریالیستی، مسلط نمودن و همراهی و شرکت در دولتی که عملا حافظ و مدافع مناسبات سرمایه داری وابسته و حاکمیت مستقیم و غیر مستقیم امپریالیسم هستند، سرکسوت خونین خلقهای مبارزی که در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و مستقل خواهان خودمختاری هستند و... کارنامه ای از اینها است که در روبروی ما است. و اینها مسلما کسانی نیستند که بتوانند نسبت باین قضیه برخورد و قضاوت نموده و حق کوچکترین دخالتی در این قضیه را داشته باشند و بنا بر این صلاحیت هیچگونه محاکمه و زندانی کردن تقی شهرام را هم ندارند.

اگر نیروهای مترقی و انقلابی و از جمله خود ما علیه شیوه های تفرقه افکنانه و ضد انقلابی ای که رهبری بخش منشعب در جریان مبارزات دمکراتیک و فدا میریالیستی مرتکب شده مبارزه نمودند، مسلما نسبت بهمین شیوه ها که هم اکنون هزاران بار فاجعه آمیز تر و آنهم در دست سازش و خدمت و وحدت با امپریالیسم تکرار میشود (و نفس دسگیری تقی شهرام و هدفهایی که از آن مورد نظر است، جلوه ای از این خط مشی میباشد)، سکوت نخواهند کرد. و هیچگونه عوام فریبی، توطئه، زندان و شکنجه هم نخواهد توانست جلوی مبارزه خلقها و نیروهای مترقی و انقلابی ما را بر علیه این گونه اعمال سد کند.

واقعا کسانی که بیشمارانه و با همکاری دولت و به همراه او اسرار نظامی - سیاسی - امنیتی رژیم گذشته را حبس کرده و مانع از آگاهی خلق بر حقایق مربوط بآن میشوند و برعکس به بازسازی ساواک و فدا اطلاعات ارتش پرداخته اند و... چه حقی دارند که در این مورد قضاوت نمایند؟

کسانی که کارگران و دهقانان مبارز ما را ضد انقلابی قلمداد میکنند، شکل و شورا های آنها را مورد حمله قرار میدهند، و سرانجام کسانی که رهبران مبارزات عمده کارگری و کارمندی (در رژیم گذشته) را دستگیر و زندانی کرده و با آزادارات و کارخانجات تصفیه میکنند - تنها با بدلی که عقاید غیر مذهبی دارند - چگونه حق نظر و حکم در این مورد دارند...؟

ما هیچگونه حق دخالتی را در مورد مسئله ای که مربوط به انقلاب و سازمانهای انقلابی بوده، و مسئله ایست که بایستی در بین انقلابیون حل و فصل بشود، یکسانی که در همین پنج ماه اخیر دستشان بخون صدها تن از هموطنان کرد، عرب و ترکمن و... ما آلوده است قائل نیستیم. ما کسانی را که کارگرانی چون ناصرتوفیقیان را هدف حملات ناجوانمردانه خود قرار داده و بشهادت میرسانند و بهیچوجه نسبت به شهادت وی احساسی ندارند جز احساس شرف و شادی، نه فقط برای قضاوت و حکم نژادینتبارانه نمیتوانیم صالح بدانیم، بلکه معتقدیم که اینها خود بایستی در دادگاه خلق پاسخ - گوی تمام جنایات خود باشند.

ما کسانی که قوانین سیاه رضاخانی و خمدرضاخانی را از زباله دانی تاریخ بیرون میکشند و بنام "لایحه داد گاهای... ضد انقلاب" بخورد مردم میدهند، و چوبه دار را برای انقلابیون آماده میسازند، حق هیچگونه نظری و ادواین باره قائل نیستیم.

ما برای کسانی که توده های آگاه ارتش را که حاضر به اطاعت از امرای وابسته به رژیم شاه خائن که دستشان مستقیم و غیر مستقیم بخون مردم بیگناه ایران و عساکر آلوده است نیستند، مورد پیگرد قرار میدهند، حق نظر در این باره قائل نیستیم.

واقعا کسانی که برای رسیدگی به جنایات نظامیان و افراد پلیس (توجه داشته باشید تنها تا چند روز دیگر) تا ۱۹ تیر ماه مهلت میدهند و از آن تاریخ ببعد تمام

جنايتكاران ارثي و پليس را غو ميکنند، و بدین ترتيب نشان ميدهند که بعد از این برای خونهايش که در همین يكال اخير ريخته شده ارزش قائل نيستند، و برعکس در پي باز گرداندن نظاميان و پليسهای جنايتكار فراري هستند تا بيشتر و بهتر بتوانند در کردستان و ترکمن صحرا و خوزستان و... خونريزي براه بيا نندازند، آري، چنين کسانی چگونه ميتوانند حق نظر در مورد اين مسئله و امثال آنها داشته باشند؟

کسانی که تا ديروز برای مجاهدين شهيداشک تماشاج ميریختند، ديگر امروز چنان باندازه کافی بازنده است، ماهيت آنها ديگر در پيش بسياری از توده ها آشکار گشته است آنها ديگر نمیتوانند هم به شکنجه و آزار سادتي برخيزند هم با سازمان مجاهدين خلق تهمت بزنند و هم خود را بعنوان مدافعین سازمان مجاهدين خلق ايران قلمداد کنند.

و بالاخره ما بکسانی که اعمال تفرقه افکنانه و تشديد کننده، تضادهای درون خلقي تقی شيرام را هزاران بار بدتر و توطئه آميز تر و ناجوانمردانه تر تکرار ميکنند، حق هيچگونه دخالت و فضاوت در اين مورد قائل نيستيم. ماهيت کاری که اينها دارند دنياي ميکنند از پيشاپيش معلوم است. همان اطلاعاتيه، اوليه، کوتاه دادستانی و دروغهای آن و بخصوص (توجه کنید!) جرم نمردن بریدن از اسلام و رسيدن به مارکسيسم نشان داد که هدفهای دستگيري چيست؟

بنا بر اين: توده های آگاه خلق! خانواده های شهدا!

نيروهای دمکرات و انقلابی! و مارکسيست لنينيستيها! بنظر ما، بدون اینکه ذره ای محکوميت انحرافات و اشتباهاتی که تقی شيرام در اس آن قرار داشته فراموش شود، بدون اینکه اختلاف سياسي - ايدئولوژیک با او را نظر ما دور شود، بايستی در افشای ماهيت هدفی که ميخواه چنان انقلاب از دستگيري تقی شيرام دنياي ميکنند کوشش کرد. در اين راه بهيچوجه انحرافات هر چند بزرگ تقی شيرام نبايد دليلي برسکوت در مقابل هدفهای دستگيرکنندگان و گردانندگان امر قرار گيرد و اشتباهاتی که در مسیر مبارزه ضد امپرياليستي صورت گرفته نبايد سبب عدم دفاع از تقی شيرام (نه)

نسبت بواقعيات انحرافات او) بلکه نسبت به تحريفات و شيوه های که قشريون جنگ افروز بر عليه او و از اين طريق بر عليه انقلابيون راستين بکار ميگيرند، گردد.

بايد پيشاپيش توطئه های را که در اين رابطه در حال تکوين است محکوم نمود و اجازه نداد که ضد انقلاب و انحصار طلبان سياسي اردستگيري تقی شيرام سوء استفاده نموده و آنها در خدمت هدفهای ضد انقلابی خویش قرار دهند. آنها قبل از اين نشان داده اند که چگونه حاضرند بشيوه های ضد انقلابی برای دامن زدن با اختلافات ايدئولوژیک و ضربه زدن به انقلابيون دست بزنند و از طريق بکار گرفتن راديسو و تلويزيون توده های نا آگاه خلق را در راه هدفهای خود بسيج سازند. نمونه، اين را در ترور تاسف بار آيت الله مطهری مشاهده کردیم و ديديم چگونه خواستند اين حادثه را نا - جوانمردانه به نيروهای چپ نسبت دهند. ما در شو تلويزيونی شيرانی جلاد ديديم که اينها حتی ابائی از حرف زدن بسا زبان یک دؤخيم کثيف ندارند و... و امروز در حالیکه اينان در توطئه، لطمه زدن به حيثيت سازمان مجاهدين خلق ايران، از طريق دستگيري و شکنجه و نسبت دادن تهمتهاى ناروا به مجاهد اسير محمد رضا ساداتي، عمدتاً شکست خورده اند و مانند گرگ زخم ديده در پي علم کردن اين جريان هستند، نبايد با آنها اجازه چنين کاری داده شود.

چه کسانی در مورد اين مسئله حق نظر دارند؟

ما فکر ميکنيم در اين مورد تنها توده های آگاه، نيرو های مترقی و سازمانهای انقلابی و رزمندگان که در سالهای جهاد و خفقان مبارزه سر بختانه ای بر عليه امپرياليسم و دشمنان خلق نموده اند و بخصوص سازمان مجاهدين خلق ايران و سازمان ما که بدليل برخورد مستقيم به کم و کثيف اين جريان آشنايی نزديک دارند ميتوانند و حق اظهار نظر نسبت بسا مسئله دارند، که آنها هم مدتهاست نظر خود را در اينباره داده اند. بنا بر اين ما اعلام ميکنيم با توجه به توضیحات بالا، دستگيري تقی شيرام و توطئه چينيهايش که در اين رابطه دارد صورت ميگيرد، شديداً محکوم است.

محرر

برقرار باد همبستگی نيروهای خلق!
محکوم باد توطئه چيني و تفرقه افکنی در صفوف خلق!
درود به همه شهدای راه آزادی و استقلال!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

چه کسی حق دارد تقی شهرام را محاکمه کند؟!

اعلام خبر دستگیری تقی شهرام از رهبران سابق بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران در روز سه شنبه و توضیح مبهم دادستانی در این مورد، خبر از توطئه شوم دیگری میدهد که ارتجاع زخم خورده در پی ناکام ماندن قیام ملت، پی در پی طرح ریزی و اجرا کرده است. گردانندگان این توطئه‌ها که هدف عمده‌اشان منفرد ساختن سازمانهای انقلابی از توده‌های مردم میباشد بخوبی میدانند وجود این سازمانها و عناصر آگاه اجتماع است که در بیداری توده‌ها مؤثر است و هشیاران هر توطئه و نیرنگی زابر علیه دستاوردهای انقلاب مردم و منافع زحمتکشان اچشاء و طرد می‌کنند. و هر آینه این افشاگریها ادامه پیدا کند، در آینده‌ای نه چندان دور این توده‌های مردم هستند که دوباره در خیابانها به تسویه حساب با این عوامل ارتجاع و ضد انقلابی خواهند پرداخت و نیک پیداست که تسویه حساب مردم در خیابانها از چه نوع می‌توانند باشند!

ما در ماههای اخیر شاهد یکسری اقدامات سازمان یافته بر علیه همه گروههای مترقی اجتماعی هستیم. تعقیب و دستگیری انقلابیون و مبارزین در منازل و خیابانها بجرم بخش اعلامیه و سایر اتهامات واهی، ایجاد فضای اختناق و سانسور بر رادیو و تلویزیون و مطبوعات، زدن اتهام جاسوسی و اخلاک‌گری به مجاهدین و مبارزین و برگرداندن لبه تیز حمله علیه نیروهای رادیکال داخلی بعبوض پرداختن به مسائل اصلی جامعه مثل جلوگیری از نفوذ ارتجاع و تسلط امپریالیسم، همه و همه بخوبی نشان میدهد که ارتجاع و ضد انقلاب این بار در لباس مردم خواهی و اسلام پرستی بدسیسه پرداخته‌اند.

خیمه شب بازی محاکمه تهرانی جلاد ساواک بخوبی نشان داد که این حضرات تا چه حد حاضر هستند برای توجیه دشمنی خود با انقلابیون کمونیست و مجاهدین راستین دست در دست مروج ترین و کشیف ترین عناصر ضد انقلابی رژیم سابق بگذارند. تا جائیکه این عنصر کشیف، تریبون دادگاه را به محلی برای عربده کشی و کجاکمه صابروزی که تا دیروز زیر دست همین رژیم و اربابش جان میدادند، تبدیل کرد. و این در حالیست که همین دادگاه، محاکمه درها و نصیری و امثالهم را از انتظار مردم پنهان کرد.

ما خود از پیش میدانیم دستگیری تقی شهرام مقدمه یکسری از خیمه شب بازیهای جدید است که هدفش بی اعتبار کردن سازمانهای انقلابی در نزد توده مردم و تحریک عناصر ناآگاه به برپائی آنچه آن تظاهرات و چماق کشی هایی است که در رژیم ضد خلقی آریامه‌ری بنازها و بارها مردم ما آنرا تجربه کرده‌اند و بخوبی راه مقابله با آنها یاد گرفته‌اند.

همیشه در طی مبارزه انقلابی با ارتجاع و طبقات ستمگر یکسری کجی ها و نادرستی هایسی پیش می‌آید که ریشه در مفاسد جامعه طبقاتی و ضعف های معرفتی عناصر انقلابی دارد.

۷۱

نیروهای انقلابی و سازمانهای مترقی همیشه در طی مبارزه با دشمنان انقلاب و زحمتکشان بیک مبارزه درونی بر علیه این کجی ها و نادرستی ها نیاز دارند و این مبارزه درونی است که مرتب صفوف آنها را از عناصر ناسالم پاک میسازد. تاریخ جنبشهای انقلابی بارها و بارها شاهد این مبارزه درونی و طرد تصفیه عناصر ضار از صفوف انقلابیون راستین بوده و ایمن پدیده ایست عام که عمیقاً با مسأله حیات و زندگی این سازمانها در جامعه طبقاتی مربوط است. جامعه طبقاتی و بخصوص سرمایه داری گندیده و منعی با روابط و فرهنگ میتدل و غیر انسانی اش آنچنان فضای مسموم و کثیفی را ایجاد کرده که ترشحاتش بناچار بدامان سازمانها و نیروهای مترقی هم میچکد. انحرافات و اشتباهاتی که تقی شهرام و رهبری منشعبان سازمان مجاهدین خلق ایران در مورد حل تضادهای سیاسی و ایدئولوژیک درون سازمان انجام دادند، چیزی نیست مگر همین ترشحات و آلودگیها که در زمان خود همه انقلابیون راستین آنها محکوم کردند. و مبارزه خود را تا افشاء و طرد همه عوامل این انحرافات از درون جنبش کمونیستی ادامه دادند و این خود وظیفه همه انقلابیون است که در راه آرمان طبقه کارگر و زحمتکشان برای پیشرفت و بمبارزه برخاسته اند. ما خود خوب میدانیم بپهنه ای وسیع و مهم در مبارزه با انحرافات درون جنبش کمونیستی و ضعفهای طبقاتی در جلوی ما وجود دارد، اما طرد عناصر منحرف و مبارزه با جریانهای انحرافی و افشای کجی ها و نادرستیهای آن چیزی است و سوء استفاده از این نادرستیها توسط کسانی که خود تا مغز استخوان ارتجاعی و ضد انقلابی هستند چیز دیگر!

چه کسانی حق دارند تقی شهرام را محاکمه کنند؟

کسانی حق دارند به اشتباهات و انحرافات تقی شهرام برخورد کنند که در سختترین شرایط با جان به مبارزه با امپریالیسم، سرمایه داری و دیکتاتوری پرداخته اند، نسبه آنانکه وقتی بر اثر قیام شونده ها بقدرت رسیدند به سازش با امپریالیسم و باقی گذاردن سرما به داری و اعمال دیکتاتوری پرداختند

این توده ها هستند که بایست به قضاوت در مورد اشتباهات درون نیروهای انقلابی بنشینند. این همزمان تقی شهرام هستند که باید به ارزیابی خطاها و انحرافات او پرداختند. ما سازمان مجاهدین خلق ایران، سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر و گروه نبرد برای رهایی طبقه کارگر و سایر نیروهای انقلابی را فقط محق میدانیم که در این مسئله دخالت نکنند.

ما ضمن محکوم کردن دستگیری تقی شهرام، بمردم آگاه و مبارز ایران هشدار میدهیم که آفریاد اعتراض خود جلوی توطئه چینی ها و تفرقه اندازی هایی که هدفش بدنام کردن ساز انهای انقلابی است بگیرند.

وزمندگان آزادی طبقه کارگر

۵۸،۴،۱۸

۱۸

دستگیری تقی شہرام ادامہ توطئہ های امپریالیسم است

امپریالیسم و ایادی بومی آن در پیش دستگیری
حما دشیانی محمدرضا سعادت و نیز بعد از اجرای
شوی تلویزیونی جلاسا واک: تهرانی، و زهنمودهای
"روزندہ" این جلا در بمحا کمه کشا نیدن انقلابیون،
بدستگیری تقی شہرام مبادرت ورزیدند، هدف شومی
کہ در پشت این توطئہ بینگین نهفته است، جز نفاق
بین کمونیستها و مذهبیها، جز برادرکشی چیز دیگری
نمیتواند باشد. امپریالیسم و ایادی آنها با استفاده
از مسائلی کہ در درون سازمان مجاهدین در سالهای
۵۳ - ۵۴ گذشت کہ بعدها سازمانهای مربوطه با
بر خوردبان توانستند آنرا حل و فصل نمایند، با این
امید بسته اند، کہ بتوانند انقلابیون را از این نقطہ
مورد حمله قرار دهند. اما انقلابیون و تودہ های آگاه
همانطور کہ در موارد قبلی نیز توانستند توطئہ های
آنها را خنثی نمایند اینبار هم هوشیار بوده و گول
این توطئہ را نخورند خورد. ■

اتحاد چپ

درباره دستگیری

درباره دستگیری تقی شهرام

بینه از صفحه ۱
 بکار میگیرند. از جلدان خون آشامی
 مانند یمن نادری پور (شهرانی)
 هنر پیشه های اشک در آستینی میسازند
 تا صحنه های داغگاه های خلقی نه
 محاکمه علیه گنویشتها و مجاهدین
 خلق تبدیل شود.
 میدانیم که تقی شهرام مبارزی

آقایان محترم! مطمئن باشید این سوژه جالبی برای یک
 نمایش از پیش معلوم نمی تواند باشد.
 آنان که همان روشی را که میخواهند به محاکمه بکشند،
 خود اعمال می کنند، صلاحیت رسیدگی به مسئله شهرام
 را ندارند.
 فراموش نکنیم تقی شهرام مبارزی آگاه و از جان گذشته
 بوده، که در دشوارترین شرایط رویاروی رژیم سفاک
 پهلوی ایستاد.

بود ضد امپریالیست و ضد استبداد
 مبارزی از جان گذشته و آگاه که در
 شرایطی که دست اندر کاران محاکمه
 او مهر سکوت بر لب زده و چینه
 بسا به مناسبات تن سپرده بودند،
 رویاروی رژیم سفاک ایستاد و
 صلابت مبارزه تر داد. تقی شهرام
 که از کادرهای نخستین سازمان
 مجاهدین خلق بود دو سال پس از
 دستگیری با تفاق رئیس زندان سازی
 از زندان گریخت تا به مبارزه خود
 علیه رژیم ادامه دهد او دو تن از
 یارانش که در همان زمان از مبارزه
 علیه رژیم جان باختند، یعنی شهرام
 آرام و ابراهیم جوهری در روند
 مبارزه تغییر ایدئولوژی دادند ولی
 بغلط به فکر تغییر ایدئولوژی سازمان
 مجاهدین خلق افتادند و در شرایطی
 نامتناسب، هدفی را برگزیدند که
 با اصطلاح وسیله را توجیه می کرد،
 به عقیده ما زمانیکه شهرام و
 دوستانش خط فکرشان تغییر یافت
 باید صادقانه، صمیمانه و با صراحت
 از سازمان جدا میشدند و برای
 پیشبرد ایدئولوژی خود سازمانی
 دیگر بوجود می آوردند. کاریکه نمود
 ها شد اما دیر اما بحث اینک بر سر

زمان آنان منجر گردیدند. بدیهی
 است که این یک انحراف بود که
 از آن نه شهرام و یارانش طرفی
 بستند و نه سازمان مجاهدین از
 ضربه آن در امان ماند. در حقیقت
 این یک فاجعه بود، اما نه فاجعه ای
 که بخودی خود بروز نموده بلکه
 برخاسته از یک شیوه عمل و طرز
 تفکر نادرست بود. طرز تفکر و
 شیوه هایی که نه تنها واقعی ها و
 لباف ها بلکه شهرام ها، آرام ها و
 جوهری ها نیز خود قربانی آن شدند.
 شیوه ها و روش هایی که دیر یا زود
 می بایست آب به آشیاب دشمن بریزد.
 چنانکه دیدیم همان زمان چه
 بهره برداریها از آن قبیل ماچراها
 که نکردند و امروز نیز صحنه
 گردانها و کارگردانهای جدید و
 تازه کار که همان شگردهای کهنه را
 بقیه در صفحه ۴

روزنامه ها خیس دادند که تقی
 شهرام عضو یکی از سازمان های
 منشعب از سازمان مجاهدین خلق
 دستگیر و قریباً محاکمه خواهد شد.
 چیزی که بلافاصله از خواندن این خبر
 در ذهن تداعی میشود اینست که چندی
 پیش در سالگرد شهادت مجید شریف
 واقفی و صمدیه لباف دیدیم که چه
 کسانی کاسه از آش داغتر شده و بر
 ضد تقی شهرام و یارانش (که دیگر
 حضور ندارند) قشقرق برآه انداختند
 و اینک بخوبی درمی یابیم که مسئله
 محاکمه او به وسیله چه کسانی
 عنوان میشود و آنها از اینکاز چه
 هدفی را دنبال میکنند.
 تقی شهرام، بهرام آرام و ابراهیم
 جوهری و دیگران در رابطه با یک
 تغییر خط ایدئولوژیکی در داخل
 سازمان مجاهدین خلق موجود جریانی
 شدند که به شهادت چند نفر از هم

ه آرد

این نیست. بحث بر سر اینست که اینک کسانی می‌خواهند از این ماجرا بهره‌برداری کنند و برای یک نمایش مهیج از آن قبیل که دیدیم، بازار داغی بوجود آورند. برآستی اینان کیستند؟ آیا اینان همان کسانی نیستند که در گذشته بر روی مجاهدین شمشیر می‌کشیدند و آنها را به هزار مجرم و بیگناه تخطئه میکردند منافق میخواندند و در این رابطه با رژیم هم‌اوازی میکردند؟ در واقع آنان نه تنها مجاهدین را هرگز تأیید نمی‌کردند که هیچ، بلکه هر وقت دنگشان می‌گرفت و فرصتی بدست می‌آمد، برای آنها مایه هم می‌آمدند. و حال می‌بینیم امروز نیز همان عناصر مجاهدین را دستگیر میکنند، متهم میکنند، به اماکنشان هجوم می‌برند و به آنجا وسائل به سرکوبی آنها میکوشند. و در عین حال همان عناصر اکنون دارند سنگ دفاع از مجاهدین را بر سر و سینه می‌کوبند. واضح است و آنرا هر نوباوه مکتب سیاست میداند که آنها دلقان برای مجاهدین نمی‌سوزند. آنها می‌خواهند از این نمذ به تناسب سر پوک خویش کسلاهی بدورند و این مقوله را به نمایشی نه تنها علیه کمونیستها که هدف نخستیشان است - بل علیه مجاهدین نیز بدل کنند. و شاید هم در ترصدند که در این رابطه برای جریانهای فاشیستی‌ای که به راه انداخته‌اند بهانه‌هایی بچوینند و به طرق دیگری از آن بهره‌برداری کنند. اما آقایان! گورخوانده‌اید! درست است که روشهای نادرست و غیر-

کمونیستی. شهرام‌ها ضرباتی غیر قابل جبران به جنبش زده است، اما این بشما چه؟ شما در بند فاشیسم خویش! در بند برقراری سلطه شوم خویش و در بند محکم کردن ریشمان هزار رشته وابستگی‌های خویش هستید. از آن گذشته این در حد شما نیست که شهرام را به محاکمه بکشید. شاید آن «شو»ی مسخره و رسوای تله‌ویزیونی شما را اس ذوق آزاده است! اما از حالا بگوئیم و بدانید که از این کشته‌های واهی یاد درو خواهید کرد! درست است که بخیال خود لقمه خوبی به چنگتان افتاده تا با زهم توطئه‌ای بر ضد کمونیستها ترتیب دهید - که هم چنانکه گفتیم این مقوله از جمله مقولاتیست که رژیم متفوق گذشته هم به آن می‌پرداخت! - اما بیائید منصفانه شرازنامه سود و زیان خویش در همین مدت کوتاه در این گونه معاملات را ورق بزنید تا عیان شود که این باز هم رقمی - بجای سود - بر زیانهایتان خواهد افزود. از این که بگذریم - که شما باید میدانستید - آنچه که مردم باید بدانند اینست که ماجرای تقی شهرام‌ها از جمله وقایعی است که در محق ظلمانی یک شب طولانی و مدهش بر ملتی گذشته است. شبی که رژیم سفاک و خونخوار ضحاک زمان چون پلاسی سیاه در تمامی عرض و طول این قلمروی نفرین شده بر سرملتی مظلوم کشیده بود. و این آن چنان شرایطی بر مبارزانی چون شهرام‌ها، واقفی‌ها، لباف‌ها، جوهری‌ها و آرام‌ها تحمیل کرده بود که از یک طرف

برای آنها مبارزه‌ای هولناک و خونین با رژیم مطرح بود و از طرف دیگر بر جای ماندن در دالان‌های تنگ و تاریک مبارزه مبارزه کردن و در عین حال ایستادگی خود را حفظ کردن یا پس‌گویی نشانیدن. بعد اختلاف نظر با خودی‌ها در دوران مبارزه بی‌امان یا دشمن. بعد تقصیاتی که از این رهگذر بوجود می‌آید. بعد احساس تنهایی مطلق در این برهوت بی‌انتها. که رژیم در پیش پای دلاوران خلق گسترده بود. بعد خشونت. و بعد اقدام به عملیات عیولانه و غیر منطقی. از اینها و صدها وضعیت و موقعیت دیگر اتسافری را نشان میدهند که شهرام‌ها و واقفی‌ها در آن مبارزه میکردند و لذا اولاً این آن شرایط است که باید به محاکمه کشیده شود و داوری درباره اعمال فرد در بستران صورت گیرد و ثانیاً شما باید بدانید که این اصولاً صلاحیت دولتی که از لحاظ ماهیت (از لحاظ تفکر و عمل) و از نظر فعل و انفعالات اجتماعی مخالف سرسخت و آشتی‌ناپذیر هم مجاهدین دیرروز و هم مجاهدین امروز است، خارج است، که تقی شهرام و یازان شهیدش را به محاکمه بکشد. مردم خود نیک میدانند که فاجعه تقی شهرام در چنان شرایط و احوالی رخ داد که ذک آن برای داوران رسمی نامقدور و بدآوری گناشتن آن در شکل سنتی دادگاههای سرموم غین ممکن است.

الارک

توطئه‌ای برای بی اعتبار کردن انقلابیون و جنبش انقلابی در خدمت ارتجاع و امپریالیسم است.

هیچکس که آشنا نمی‌مختصری با مسیر حرکت جنبش‌های انقلابی جهان و منجمله جنبش انقلابی خلق ما دارد پوشیده نیست که جنبش انقلابی بهیچ وجه جاده‌ای صاف و هموار نبوده و نیروهای انقلابی نیز هرگز بدون اشتباه، خطا و انحراف ن‌گذر ننموده‌اند. جنبش‌های انقلابی جهان همواره، بنا به خاستگاه و پایگاه طبقاتی نیروهای شرکت‌کننده و رهبری کننده آن، مواجه با اشتباهات کوچک و بزرگ فراوانی بوده است که ضربات کما بیش مهم و گاه جبر جری را نیز بر پیکر آن وارد کرده‌اند و انقلابیون نیز بر حسب تمایلات و گرایش‌های طبقاتی خود، با افت و خیز چپ و راست افتادند. راه خویش را بسوی پیروزی باز نموده و می‌نمایند، بهمین دلیل و آنجا که این اشتباهات و عواقب ناشی از آن در جریان مبارزه‌های انقلابی علیه دشمنان خلقها وقوع می‌یابند، برخورد با آنها نمیتواند در خارج از چهار چوب جنبش انقلابی خلق صورت گیرد. با این انحرافات و عواقب زیان بار ناشی از برخوردی از نوع برخورد به جرائم عادی و نه برخوردی از نوع برخورد با جرائم و جنایات نیروهای ضدانقلاب خلقی، بلکه تنها می‌توان برخوردی سیاسی و اجتماعی در جهت بررسی علل و ریشه‌های سیاسی، اجتماعی و طبقاتی برای درس‌آموزی از آنها و آموزش انقلابیون و توده‌های خلق داشت و نه غیر آن.

انحرافات و اشتباهات موجود در تغییر و تحولات درونی سازمان مجاهدین خلق ایران و رویدادهای زیان‌بار و ناآوری که در این مسیر وقوع پیوست، رویدادهایی که به شهادت‌تنی چند از اعضاء سازمان مجاهدین خلق ایف می‌د، با تمام بعد و شدتش و علیرغم اینکه بعنوان انحرافات عمیق و خطرناک و اقداماتی ضدانقلابی، با ایجه در صفوف نیروهای انقلابی و خدشه وارد کردن به اعتماد توده‌ها نسبت به انقلابیون، آشکارا به نفع دشمنان شد، انحرافات و اشتباهاتی است که در جریان مبارزه‌های انقلابی علیه رژیم مزدور شاه وقوع یافتند و بنا بر چهار چوب فوق قرار داشته و باید در کنار جنبش‌نویین انقلابی خلق، بوسیله نیروهای انقلابی رزمنده و آزدیدگی‌ی و اجتماعی مورد بررسی قرار گیرند.

در واقع انقلابیون خلق، یعنی کسانی که مستقیماً "در جهت تغییر انقلابی جامعه وارد عمل شده و با مشکلات، چیدگی‌های راه مبارزه با تمام چهره رو در رو بوده‌اند و وفاداری خود را نسبت به خلق و راه انقلابی آن‌ها در انقلابی و مبارزه علیه رژیم ددمنش و مزدور شاه با ثبات رسانده‌اند، تنها کسانی هستند که میتوانند در پی‌ها به بررسی و تجزیه و تحلیل واقع‌بینانه این انحرافات و عملکردهای آن بپردازند و توده‌های خلق تشنه‌ها دکه میتوانند در مورد آن بطور صحیح و درست قضاوت کنند. از این رو ما دخالت مراجع حکومتی و دادگاه‌های وابسته ن را در مساله اختلافات سیاسی - ایدئولوژیک درون جنبش‌نویین انقلابی و در اینجا دخالت در اختلافات درون دین خلق را که علیرغم برخورد نادرستی که با آن صورت گرفت بیان گوشه‌ای از تضادهای درون خلق می‌باشد، نه و هرگونه قضاوت و تصمیم‌گیری آنها را مردود شناخته و محکوم می‌کنیم.

ما معتقدیم کسانی که تا دیروز حداکثر دستی از دور بر آتش مبارزه داشتند و امروز سوار بر امواج انقلاب، دستشان به خون خلقهای قهرمان ما، خلقهای کرد، ترکمن و عرب‌آلوده شده است، کسانی که به فتوای الهی مایه‌داران تکیه می‌کنند و از آنها در مقابل کارگران و دهقانان قهرمان ما حمایت می‌کنند و درخواستهای، ران و دهقانان زحمتکش و ستم‌دیده را با گلوله پاسخ گفته و آنان را با خاک و خون می‌کشند (و بنا به ماهیت آنها نیز نمیتوانند بکشند)، کسانی که رهبران اعتماد تاریخی و قهرمانان کارگران صنعت نفت - حیاتی، ییل - فرزندان مجاهد و فدائی خلق - سعادت‌ها و شیبانی‌ها - و دهها رزمنده کمونیست و انقلابی خلق را ت و شکنجه گاهها می‌برند، کسانی که بی‌شمانه قانون سیاه ۱۳۱۵ رضاخانی و ۱۳۵۴ محمدرضاخانی و قوانین ضد سنی ارتش را احیا می‌کنند و برای سرکوبی کارگران قانون وضع کرده و نیروی ویژه ایجاد می‌کنند، کسانی که ضمه ساواک، اعمال و عمال آن اجازه می‌دهند تا جلادان ساواک دادگاه را به صحنه محاکمه فرزندان انقلابی

ن جنبش انقلابی و درباره عناصر رزمنده و انقلابی‌ای که در سیاه‌ترین و خفقان‌بارترین روزهای حیات خلق مانده و جان برکف‌علیه رژیم شاه خائن و اربابان امپریالیستش به پا خاسته‌اند ، بدآوری بنشینند . اینان نه می‌توانند و نه می‌خواهند که در خدمت افشاء و طرد یک انحراف از درون جنبش خلق، در جهت آموختن یک انحراف و اشتباه برای جلوگیری از تکرار آن ، برای تحکیم وحدت خلق ، برای ادامه و استمرار انقلاب و دی کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم اقدام کنند ، بدآوری نشستن اینان چیزی جز انتقام جویی و سوء است . انحرافات و در جهت زمینه سازی برای سرکوبی نیروهای انقلابی نخواهد بود . ما همانگونه که انحرافات موج رزه ایدئولوژیک رهبری بخش م - ل سازمان مجاهدین خلق ایران را که منجر به شهادت تنی چند از اعضاء سازمان هدین شد ، شدیداً محکوم می‌کنیم ، هرگونه عمل تلافی جویانه و فتنه انگیزانه در این رابطه را نیز توطئه جانب مرتجعین در خدمت تفرقه افکشی در صفوف خلق و بویژه در جهت زمینه سازی برای تصفیه حسابی ضدانقلابی و های انقلابی و بویژه انقلابیون کمونیست به بهانه این یا آن انحراف و خطا ، دانسته و مستقیماً " در خدمت ریالیسم و ارتجاع می‌دانیم .

جنبه بویژه ضد کمونیستی این توطئه از آنجا نیز آشکار میشود که دستگیرکنندگان تقی شهرام ، یکی از اعضاء را نقش وی در باصلاح انحراف ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق ایران ذکر کرده‌اند و باین ترتیب نشان دادند که قصد آنها اساساً " پاسخ به تمایلات ضد کمونیستی خود با باصلاح بمحاکمه کشیدن کمونیسم بمنابیه یک " انحراف انقلابیون کمونیست بمنابیه " منحرفین " است .

ما اعلام می‌کنیم که اگر رویدادهایی که در مسیر تغییر و تحولات درونی سازمان مجاهدین خلق ایران روی داده اند تفرقه در صفوف نیروهای انقلابی و خدشه وارد کردن به اعتماد توده‌ها نسبت به نیروهای انقلابی ، آشکارا نفع دشمن تمام شد ، اعمال دست‌اندرکاران این توطئه و از جمله دستگیری تقی شهرام و قصد آنها در بیدار کردن وی با اتهام قتل و ... ، با رو در رو قرار دادن نیروهای انقلابی ، با تلاش برای سلب اعتماد توده‌ها نسبت به نیروهای انقلابی و با منحرف کردن مبارزه توده‌ها از سمت ضد امپریالیستی و ضدارتجاعی آن بسمت مبارزه نیستها و سایر انقلابیون ضد امپریالیست اعمالی بشدت ضد انقلابی و دهها بار خطرناکتر است . خطرناک بودن ل ضد انقلابی بویژه در رابطه با مرحله حساسی است که جنبش انقلابی خلق ما از سر می‌گذرانند و تمام نیرو باید در جهت به پایان رساندن انقلاب و بنا بودی کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم و ارتجاع سمت داده شود . ما اعلام می‌کنیم که اگر اعمال انحرافی رهبری بخش م - ل سازمان مجاهدین خلق ایران بشدت محکوم است ، دست‌اندرکاران این توطئه ضد انقلابی و ضد کمونیستی با شدتی بسیار بسیار بیشتر باید افشاء ، محکوم و طرد ما با اعتقاد به اینکه تنها نیروهای انقلابی صلاحیت بررسی و تجزیه و تحلیل عملکردهای تقی شهرام ، عمل موجود آن و شرایط سیاسی و اجتماعی تحقق یافتن آن را دارند و با اعتقاد به اینکه تنها خلق است که بدآوری در مورد این انحرافات بنشینند ، اعتقاد داریم در شرایط کنونی ، در شرایطی که حقوق دمکراتیک خلق برین شکلی لگد مال میگردد ، در شرایطی که خلق از هرگونه دخالت در سرنوشت خود باشکال گوناگون منع می‌شود ، در شرایطی که با اعمال خفقان و سانسور ، با تهدید و ارباب ، با نفی ، نادیده گرفتن و سرکوب‌نهادهای خلق ، خلق از هرگونه حقی در تعیین سرنوشت خود ، از شرکت فعال و واقعی در امور اجتماعی و سیاسی منع گردید ، هرگونه نظارت و داوری جز از طریق مبارزه از او سلب گردیده است ، آری در چنین شرایطی تنها راه جلوگیری از هرگونه سوء استفاده نیروهای ارتجاعی از انحرافات درون جنبش انقلابی را آزادی تقی شهرام و اجازه دادن به سازمانهای انقلابی بدور از هرگونه توطئه ، تحریک و تشنج و در پیشگاه توده‌ها به بررسی رویدادهای سازمان مجاهدین خلق ایران بنشینند میباشد .

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع
اتحاد مبارزه در راه آرمان طلبی

درباره دستگیری

حقیقی شهرام

تقریباً از روزنامه «ما» خبر است که دستگیری حقیقی شهرام دادند. حقیقی شهرام یکی از اعضای کادر رهبری جنبش سازمان مآه‌دین خلق قبل از حولات ایدئولوژیک در بخشی از آن سازمان و سپس یکی از رهبران سابق جنبش متعصبان سازمان بود. او یکبار توسط رژیم وابسته و خائن محمد رضا شاه دستگیر گردیده و در کجگاه‌ها دیدوبه زندان افکنده شد. در ضمن مقاومت در زیر شکنجه توانست از زندان محمد رضا شاه و بگریزد و به بیارزیه علیه رژیم شاه و امپریالیسم و در بیرون از زندان ادامه دهد. از این زمان او در حالیکه بعنوان یک مبارز انقلابی بقیه در صفحه ه درباره دستگیری... به مبارزه قاطع با امپریالیسم و رژیم وابسته به آن ادامه میدهد و مرتکب یک سری اشتباهات بزرگ و حیران نا پذیر میگردد. از اینجمله است تلاش در یکا رفتن اعمال روز در سازمان مآه‌دین خلق به منظور تغییر مواضع ایدئولوژیک در آن سازمان بصورت یکبارچه و طرح رسمی قتل شهید شریف را فقی و آوندون اینکه توجهی به تفاوت تضادهای درون خلقی با تضادهای بیرون خلقی نداشته باشد و به اشتباهات بزرگگی و اشتباهات برای حل تضادهای درون خلقی در کشور اعمال روز و رفتار و قتل که در ضمن حل تضادها خلق است متوسل میشود. توسل او به چنین شیوه‌هایی بطوریکه دکتاهای سبانه بزرنگی مبادرتی او نیست میماند. بدین ترتیب او در حالیکه بعنوان یک مبارز ضد امپریالیستی و ضد ارتجاع داخلی به برخورد با رژیم نسبت نشانده محمد رضا شاه میماند و میدهد و در پیشبرد این مبارزه خدمت میکند و به همین علت است بیکر آن ساواک و سایر دستگاههای امنیتی فرازدار و محبوبه زندگنی و سایر اعضای مخفی است و مرتکب اشتباهات

حقیقی میسوزد. آنها بپراختی گشتا و آنها را بنسبت فراموشی سپردن یا مستوجب محاسرات ندانست. اما مسئله بزرگ است که برخورد به او میبایستی از جانب چه دستگاهی و چگونه انجام پذیرد؟ عمال امپریالیسم که از نفوذ بسیاری در دستگاههای حکومتی برخوردارند تلاش بزرگ آن دارند که او را به "جرم" مینارزه قاطع ضدا امپریالیستی و ضد رژیم محمد رضا شاه سر به نیست کنند. آنها مسلم است که این نیت خود را به روشنی اعلام نمیکنند و با ماسک دروغ غیب دفاع از اسلام و آنها را ارتکاب قتل به میدان خواهند آمد. ولی حماقت محض خواهد بود اگر بپنداشتم خود آن عمال امپریالیسم که در قدرت سهیم هستند تا بزرگ و پوست بها مپریالیسم وابسته اند و در رژیم محمد رضا شاه به کشتار و چپاول خلق و حفظ منافع و مواضع امپریالیسم میپردازند و یک شبه مسلمان دو آتشه شده باشند. نه این چنین نمی‌تواند باشد. آنها خود را اسلام مترقی و خود قاتل بوده هستند. بنا بر این نقشه شای برای کشتن حقیقی شهرام تنها و تنها بمنظور انتقام از یک مبارز ضد امپریالیست است. متعصیبین و انحصار طلبان صاحب قدرت امپریالیست قتل حقیقی شهرام بسته اند. اینان با اینکه از نقطه نظر دیگری حرکت میکنند لیکن در اجرای توطئه علیه نیروهای انقلابی و از بین بردن حقیقی شهرام با گروه اول هم زیان ندارند. اینان تلاش دارند اختراقات و اشتباهات حقیقی شهرام را مستحکم برای حمله به نیروهای کمونیستی قرار داده و با مشوش بقیه در صفحه ۶ درباره دستگیری... نمودن افکار توده‌ها نسبت خود را به خون حقیقی شهرام و چه بسا بسیاری از انقلابیون کمونیست آغشته کنند. لیبرالهای سازشکار نیز که به همکاری با امپریالیسم و عمال آن چشم امید بسیار دارند هدف پلیدی را دنبال میکنند. آنها توطئه میکنند و قصد دارند که

نیروهای آزادی را هر سه نیروی بزرگتر و هر چند هم که از مواضع متفاوت حرکت کنند در این مورد در یک جبهه قرار نهند و آنها توطئه جیبی برای بدنام نمودن دن سازمانها و گروههای انقلابی برای حمله بیشترانه و ارتجاعی به نیروهای انقلابی و برای قتل حقیقی شهرام میباشد. اینها در تلاش هستند که با صحنه مبارزاتی خود و اجرا حقیقی توطئه‌ها بی دیگره بترسانند و شوت‌های جلا ساواک را در حمله و اها نت بینه انقلابیون را ستین تکمیل کنند. هیچ یک از این گروه بدنام حقیقی شهرام و محاکمه حقیقی شهرام نداشتند. اشتباهات حقیقی شهرام میبایستی مورد بررسی قرار گیرد. هر اشتباهی میبایستی از درون جنبش انقلابی و بویژه جنبش کمونیستی تصفیه و طرد گردد. اشتباهات و اشتباهاتی نیز که حقیقی شهرام دچار آنها بوده از آنجمله است. لیکن عمال امپریالیسم و لیبرالهای سازشکار و انحصار طلبان عقب گرا از اصلاحات چنین رسیدگی و بررسی‌ای نسبت به اشتباهات حقیقی شهرام نداشتند و اشتباهات حقیقی شهرام را نداشتند. و برای او محاسراتی قائل گردیدند و تنها و تنها نیروهای انقلابی بویژه سازمان مآه‌دین خلقی که در آن زمانها و گروههایی هستند که در آنها عضویت داشته است و بدین لطمه زده است. کما اینکه عمال امپریالیسم هستند یا کما اینکه حمله ناخبر خیزه در اختراقات و اشتباهات غرق اندوار کشتار و گرد و سرکس و غیره ساکن ایران و ضرب و خشم کارکنان دهقان رنج دیده و روز میفکر میباشند و دستگیری و زندانی انقلابیون را نیز نمی‌بخشند هستند و گوشه‌ها هستند از یادای این همه بقیه در صفحه ۶ درباره دستگیری... حقایق آن است که به هر چه ملاحظاتی دستگیر و بررسی اشتباهات حقیقی شهرام را از آن سوی را ندارند. اینان بجز در حال اعلام توطئه دیگری هستند و نگرشیم از توطئه را عظیم کار رژیم

رژیم‌های که دستگیری و نابودی او در رژیم گذشته سالها در صدر فعالیتها با اصطلاح امنیت عمال ساواک
 و مزدوران امپریالیسم قرار داشت، مبارزی که رژیم دامنش پهلوی برای دستگیری و نابودیش بزرگترین جایزه
 را برای عمال ضد خلق خود تعیین نموده بود که این خود بخوبی گواهی است بر مواضع و عملکرد عمالی
 ضد امپریالیستی و ضد رژیمی او و خطری که شاه خائن و رژیم وابسته اش از وی و همزمانش احساس می‌نمودند
 آری، اکنون بیش از ه ماه است که این انقلابی سرسخت و خستگی ناپذیر رژیم گذشته که در اوج دیکتاتوری
 و خفقان حاکم بر میهنمان همراه دیگر همزمان انقلابی با استواری و صلابت تمام و با قطره قطره حیات
 خود، سنگر مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی را شعله ورنگه میداشتند، در چنگ عمال رژیم حاکم اسپر
 میباشد و با شدت هر چه بیشتر مورد آزار و شکنجه های مختلف پیوسته شکنجه های روانی قرار گرفته است.
 در این مدت حتی یکبار اجازه ملاقات با خانواده اش را داده نشده است، طبق اخبار واصله محصل
 اسارت وی مدتها در سیاهچالهای متروکه زندان این بوده است که بدلیل شرایط مرگبار و غیر بهداشتی آنها
 و بدلیل اعتراضات مکرر گروه های مختلف بین المللی و از جمله نمایندگان صلیب سرخ در سالهای اواخر
 حکومت شاه جنایت کار نیز هیچ گونه استفادای از آنها نمی شده است. این سیاهچالها، سلولهای قفس
 گونه ای هستند که بطور خاص برای سلب شرایط ابتدائی حیات و وارد ساختن فشار هر چه بیشتر به نفس
 تضعیف روحیه زندانیان ساخته شده اند. کف این سلولها نمور و خاکی است و فاقد هرگونه تضمین بهداشتی
 لازم است. حداقل نور بدرون این سلولها نمیتابد و از این رو مگذر حیات زندانی شدیداً در معرض تشدید
 است. نگهداری زندانیان سیاسی در سلولهای انفرادی در حال حاضر بطور عموم و زندانی نمودن این
 فرزند انقلابی خلق در این سلولهای انفرادی متروکه بطور اخص خود گواهی است بر دروغ پردازیهای جرایم
 و مخن گوین رژیم حاکم. البته وسعت تضيیقات و رفتارهای ضد انسانی در مورد این انقلابی میهن
 بهمین جا پایان نیافته، بلکه بدستور انحصار طلبان مرتجع و انقلابی نما در همین وحشتکده های تنگ و تاریک
 و نمور هم برای مدتی او را به زنجیر میکشند و در تمام ساعات شبانه روز پایهایش را در زنجیر نگه میدارند.
 طبق گفتار شهود عینی هیچ گونه روزنامه و کتابی در اختیار او قرار نمی داده اند، مأمورین زندان و
 مراقبین او بنا به دستور مسئولین امر در مواقع رفت و آمد های چند لحظهای او به دستشویی و توالت که بنا
 سرعت و نظارت کامل انجام میگردد حتی اگر اوراق روزنامه کهنهای هم در مسیرش می بوده فوری آنها را دور می
 ساخته اند و با او هیچ گونه صحبتی نمی کنند.

آری قابل توجه اینجاست که این انقلابی رژیمنده را برای مدتی در سیاهچالهایی به زنجیر کشیده اند
 که بحق می بایستی بعد از قیام شکوهمند خلق کیبرمان، بعنوان سند جنایت رژیم منور شاه جنایت کسار
 بمعرض تماشای عموم خلق قرار میگرفت. مهمتر اینکه رژیم حاکم این رژیمنده نستوه را حتی از کمترین حقوق
 یک زندانی سیاسی که در طول سالهای خفقان در اثر مبارزات توده های قهرمان میهن مان بدست آمده
 محروم ساخته و او را در شرایطی نگه داشته است که در رژیم سابق نیز آنرا کمتر معمول بوده.
 ندانن قرار ملاقات و حتی قاش نکردن محل اسارت او به خانواده اش از جمله عملکردهای ضد انسانی
 دست اندرکاران رژیم فعلی میباشد. خانواده های که سالهای سال شاهد تمام نا ملایقات از جمله های

مکرر مزدوران ساواک به خانه و کاشانه شان گرفته تا تمام رخداد های خطر بار مربوط به زندگی مبارزاتی و مخفی خود او بودند، هم اکنون هم در زمان حاکمیت این رژیم باید باز آواره و سرگردان از این زندان به آن زندان و از این محل به آن محل برای یافتن محل اسارت فرزند شان و برای گرفتن قرار ملاقات سرگردان باشند و به نتیجه ای هم نرسند .

ما با استمداد از خلق قهرمان ایران، کلیه نیروهای انقلابی و دمکرات و کلیه محافل مبارز و مترقی می خواهیم که با اعتراضات خود علیه دستگیری غیر قانونی این فرزند انقلابی خلق سکوت حاکم بر این توطئه را شکسته و چهره ضد خلقی و ارتجاعی ای را که در پشت این توطئه می باشد افشاء نمایند .

ما هیچ گونه جرمی را در مقابل رژیم حاکم برای این فرزند انقلابی خلق بجز سوابق مستند مبارزاتی و بیکار جوئی اش علیه امپریالیسم و ارتجاع نمی دانیم و صرف نظر از اینکه اسارت این فرزند انقلابی خلق در سیاه چاله های یاد شده، مسئله ای اساساً ضد انسانی و فاشیستی است اصلاً محاکمه او به هیچ وجه در صلاحیت دادگاه های رژیم حاکم نمی باشد .

ما یک بار دیگر از همه توده های انقلابی خلق و همه نیروهای انقلابی و مبارز بویژه از انقلابیون مارکسیسم - لنینیسم و همچنین سازمان مجاهدین خلق ایران، کانون زندانیان سیاسی جامعه حقوقدانان - رادیکال نیروهای دمکرات جامعه استمداد می کنیم که به حمایت از این فرزند انقلابی خلق برخاسته و از همه راه های ممکن و از طریق افشاء ماهیت عملکرد های فاشیستی که نسبت به او از طرف عدای فرصت طلب اعمال می شود، برای آزادی این فرزند انقلابی خلق کوشش نمایند .

ما معتقدیم در این مراحل حساس جامعه مان دامن زدن به یک سری مسایل درون خلقی که ناشی از ضعف ها و اشتباهات گذشته نیروهای انقلابی و عناصر آن ها که در صف انقلاب بوقوع پیوسته است بجز تفرقه و دامن زدن به تضادهای درون خلقی و مخدوش کردن صف نیروهای خلق و ضد خلق چیز دیگری را بدنیال ندارد که این کار هم شیوای است در دست ضد انقلاب و فرصت طلبان و لا غیر .

((عده ای از زندانیان سیاسی))

۵۸ / ۹ / ۹

۱۶

تا کنون چندین بار مسئولین دولت جمهوری اسلامی با تهیه گزارش و قیلم در صدد پسر آمده اند که اقدامات رفاهی و امنیتی خود را نسبت به زندانیان و مجرمین دادگاه‌های انقلاب اسلامی در معرض قضاوت عموم قرار دهند. ولی آنچه که همیشه بدست فراموشی سپرده شده است موقعیت زندانیان سیاسی میباشد که هم اکنون در زندانهای جمهوری اسلامی پسر میبرند و مسئولین امر هیچ گونه گزارشی از آنها بدست نداده اند. بجز محمد رضا سعادت، کسی که هرگز زندانی سیاسی وجود ندارد. در حالیکه طبق گزارش کانون زندانیان سیاسی حدود ۱۵۰۰ زندانی سیاسی در زندانهای سراسر ایران پسر میبرند که شرایط و شیوه برخورد با آنها اختلاف چندانی با رژیم منحوس پهلوی ندارد. همچنین نامه‌هایی که چه از طرف خانواده زندانیان سیاسی و چه از طرف گروه‌های مختلف تا کنون در جراید درج گردیده است گویای چنین واقعیتی است.

یکی از این زندانیان سیاسی که بارها شاعر درخواست ملاقات و توضیح موقعیت او از طرف خانواده اش و گروه‌های دیگر سیاسی بوده ایم "محمد تقی شهرام" یکی از مبارزین قدیمی دوران سلطنت پهلوی خائن و یکی از رهبران "بخش منسحب سازمان مجاهدین خلق ایران" که مدت‌ها را نیز در زندانهای آن رژیم گذرانده است میباشد.

محمد تقی شهرام که تاریخچه مبارزات قهرآمیز و ضد امپریالیستی وی پر عمقان روشن است مدت ۶ ماه است که در زندانهای جمهوری اسلامی پسر میبرد. و بر طبق مدارک موجود درج شده در جراید در طول این مدت خانواده او موفق به گرفتن کتبی اخباری در مورد محل اسسبارت و شرایطی که پسر میبرد نشده اند و طبق اخباری که از درون زندانها بدست رسیده است وی در سخت‌ترین شرایط پسر برده و فاشیستی‌ترین شیوه‌ها در مورد اش اعمال میشود و از ابتدائی‌ترین حقوق اولیه يك زندان سیاسی نیز بی بهره است. حقوقی که زندانیان سیاسی گذشته با مبارزات خونبار خود توانسته بودند از رژیم کودتا کسب نمایند.

ما به همراه کلیه انقلابیون، مبارزین و نیروهای دموکرات جامعه از هیئت حاکم ایران، از آفای خمینی، شورای انقلاب! دادستان کل انقلاب! و کلیه مسئولین امر می پرسیم که اگر آنگونه که شما ادعا میکنید در مناسبات و سیستم گذشته دگرگونی و تغییری پدید آمده چرا افسسرا در سیاسی و مبارز و منجمله همین محمد تقی شهرام را به اتهامات واهی دستگیر نموده و چرا با آنها اینگونه رفتار میکنید؟ چرا پس از گذشت ۶ ماه هنوز هیچگونه خبری از وی بدست نمی‌دهید؟ و چرا خانواده این زندانی سیاسی بعد از ۶ ماه هنوز موفق به گرفتن حتی ملاقات نیز نیستند و ی نگردیده‌اند؟

ما ضمن محکوم نمودن اینگونه اعمال در این مرحله حساس از جنبش مبارزاتی خلق‌پیمان کسیه چیزی جز بازگشت سریع به گذشته و تجدید همان خفقانها، سرکوبها و بیست کشیدن‌ها نیست. نتیجه اش کمک به امپریالیسم و ضد انقلاب است انتظار داریم مسئولین امر هر چه زودتر موجهات رهسائی این رژیم و خلق را از زندانهای جمهوری اسلامی فراهم نمایند.

۱۶

۱۸۰۰ انقلابی زندانی

در نخستین سالگرد قیام خلق !!

در حالیکه خلق ما نخستین سالگرد قیام مسلحانه پرشکوه خود را بر علیه ستم و پیدادگری رژیم منحوس پهلوی برگزار می نماید و در حالیکه هنوز ظنین فریاد میلیونها نفر از توده های خلق ما در فضای میهن مان که فریاد می زند "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" به خاموشی نگزاشته است و هنوز خاطره دلاوریها و از خود گذشته گیهای توده های انقلابی مان که با سینه ای باز به استقبال گلوله های مزدوران رژیم وابسته شاه جنایت کار برای درهم نوردیدن دیوارهای مخوف سیاه چالهای قرون وسطایی محمد رضا شاهی پیش می رفتند از یاد توفته است که خلق ستم دیده ما دوباره شاهد دستگیری عدای از بهترین فرزندان خود و تبعید بند کشیدن آنها در همان خانه های مرگ محمد رضا شاهی می باشند .

آری آن جانفشانی ها هنوز از یاد توفته است که رژیم حاکم به لگد مال نمودن دست آورد های خلق ما پرداخته و فرزندان خلق ما را به بند میکشد . زندگانی که در رژیم منحوس پهلوی تحت شدید ترس و شکنجه های پلیس و ساواک قرار داشتند امروز بجرم سابقه مبارزاتی پرافتخاری که در جهت منافع خلق و زحمتکشان دارند در زندانهای دولت بعد از قیام بسر میبرند .

در دولت بعد از قیام در حالیکه جلادان خلق ما امرای ارتش و ساواکها و بسیاری از مهره های پست و نفوذ رژیم مورد عفو قرار میگیرند ، زندگان خلق ما که سالها تحت پیگرد پلیس و ساواک قرار داشتند توسط پامداران این دولت دستگیر شده و در زندان بسر میبرند . زندگانی که رژیم دامنش پهلوسوی علیرغم کوشش بسیارش برای دستگیری و نابودی آنها موفق به انجام آن نگردید . اما دولت موقت در ادامه وارد آوردن ضربات هر چه بیشتر بر نیروهای خلقی مجری برنامه های رژیم وابسته پهلوی گردیده و مبارزان با سابقه را به بند میکشد .

محمد رضا سعادت تنها سه ماه بعد از قیام شکوهمند خلق ما و سه ماه بعد از آزادی از زندانهای رژیم پهلوی که بازگشائی آن بدست توده های خلق ما انجام پذیرفت توسط دولت موقت دستگیر میشود . رفیق محمد تقی شهرام که بعد از فرار قهرمانانه اش از زندانهای رژیم پهلوی بشدت تحت تعقیب و پیگرد آدمکشان ساواک بوده است . گرچه مأمورین ساواک و شهرتانی موفق نگردیدند که به روی دست یا قفسه او را همچون دیگر زندگان رهائی زحمتکشان در جهت منافع سرمایه داران به شهادت برسانند یا دست از آن جمهوری اسلامی این وحیده خائنانه را دنبال کرده و وی را دستگیر نموند .

هیچ کمونیستی منکر آن نیست که برگزیده این مبارزانتقادات اساسی و عمده وارد است . هیچ کمونیستی تردید ندارد که او با انحرافات و اشتباهات خود تفرقه افکنی ها می را در جنبش انقلابی خلق دامن زده است و از این رهگذر باید مورد بازسازی ایدئولوژیک قرار گیرد . اما مگر تردیدی هم میتوان داشت که ستم

در صورت بد این رویه مبارز سیاسی برین بد حکم شروع شده انقلاب و کارگران اینک خاکه
شما تواند داشته باشد. و بار دیگر همان نویسنده هست که از تخریب از همکاره این انقلابی
را هم اتفاق اشکی در صورت خلق و همکاره علیه نیروهای انقلابی از کمونیست گرفته تا مذهبی
شرایطی را که برای این رویه بوسه آورده اند کمبودی نسبت به زندانیهای رژیم پهلوی نداشته
را که در ماه از دستگیری وی میگذرد حتی هم ملاقاتی با وی انجام نگرفته و اطلاع دقیقی از وضعیت
در دست نیست. وی را حتی از داشتن این اصلاحات و بحیث بر ملا شدن شیوه های آریاچیسری
محرور کرده اند.

آری اتهام وی مبارزه بی امان در سنگر زحمتکشان و تعلق او به جنبش کمونیستی است
رفیق زندانی دیگر محمد یزدانیان از مبارزان جنگی نابذیر راه رهایی زحمتکشان است
سال علیه رژیم شاه خلقن مبارزه نموده و در سیاهترین دوران دیکتاتوری همراه با انقلابیون
وقداتی و ... بجرم مبارزه ضد امپریالیستی را در عصر حاکمیت خونبار خفقان آورده رژیم شاه بر او
تاء داده است. او از جمله انقلابیونی است که از سال ۵۰ تا ۵۷ بعنوان کادر مخفی و جریانی انقلابی
سازمان انقلابی بر علیه رژیم شاه مبارزه کرده است.

در بیان دستگیری وی نیز بخش اعلامیه افشاگرانه علیه سرمایه داران و آگاه نمودن کارگران
مشارکت کرده است.

تنها آنها می که مأمورین رژیم جمهوری اسلامی علیه این انقلابیون می توانند اقدام کنند و تنها
دستگیری خبر و شکجه آنها را توضیح میدهد. سابقه مبارزات آنان است. این رژیم گان فقط
سختی مبارزه پیگیرشان علیه سرمایه داران و بجرم مبارزه برای برقراری حکمیت کارگران و زحمتکشان
محرور انقلابی بودن به بند کشیده شده اند.

کمیتهها و انقلابیون در بند رژیم جمهوری اسلامی به رفا و انقلابیون یاد شده محدود
ترین گزارش هم اکنون ۱۸۰۰ زندانی سیاسی در زندانهای دولت بعد از قیام بسر
رشته همه سازمانها و نیروهای انقلابی و دمکرات است که با آگاهی بین زحمتکشان و افشای
رژیم آزادی زندانیان انقلابی را ممکن سازند.

تدای از زندانیان سیاسی

۹۴۹

۵۸ / ۱۱ / ۲۰

توده‌های رزمنده و انقلابی!

خانواده‌های انقلابیون شهید! انقلابیون مارکسیست لنینست!

از قیام شکوهمند بهمن ماه که منجر به درهم ریختن پایه‌های رژیم دیکتاتور - فاشیستی رژیم محمد رضا شاهی شد و به شکسته شدن دیوارهای مخوف زندانها و شکنجه‌گاه‌های قرون وسطائی رژیم شاه خائن انجامید، زمانی نگذشته بود که هیئت حاکمه جدید برای مقابله با مبارزات دموکراتیک و عادلانه توده‌ها و سرکوب نیروهای رزمنده و مبارزیه بازسازی ارگانهای اعمال قهر ارتجاعی خود، ارتش ساوا، پلیس و پرکردن زندانها از عناصر انقلابی پرداخت.

حمله چماقداران به تظاهرات و تحصن‌های کارگری و نیروهای مترقی، حمله اهانت آمیز و فاشیستی عناصر مرتجع و ضد انقلابی به خانواده‌ها و شهدا و تحصن‌های آنها، ترور بعضی از عناصر مبارز و انقلابی در تهران و شهرستانها و بالاخره دستگیری و شکنجه عده زیادی از مبارزین و انقلابیون شناخته شده از جمله عملکردهای این حاکمان جدید بود.

محمد تقی شسرام عضو رهبری سابق بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران نیز در زمره افرادی بود که توسط عناصر معلم الحال رژیم و بر پایه سیاستهای یاد شده دستگیر شده و تا بحال که حدود ۸ ماه از دستگیری‌اش میگذرد هیچ گونه اطلاع دقیقی از سرنوشت او در دست نیست و حتی خانواده وی موفق به یک بار دیدار هم با وی نشده است.

اخباری که تا بحال از سیاه‌چالهای "جمهوری اسلامی" به بیرون نفوذ کرده حاکی از آنست که در این مدت این مبارز قدیمی تحت شدیدترین فشارهای جسمی و روحی قرار گرفته و مرتجعین جمهوری اسلامی، این کارگزاران جدید سرمایه بارها و بارها بخصوص در مواردی که مسائلی حاد در جامعه جریان داشته است بر او فشار آورده اند که بر علیه نیروهای مترقی و انقلابی، از جمله سازمان مجاهدین خلق ایران و نیروهای مارکسیست - لنینیست موضع گیری نماید که او تا بحال به این خواست ضد خلقی آنها پاسخ منفی داده و تمام شکنجه‌های روانی آنها را از جمله ساختن صحنه‌های تصنعی متعدد اعدام و ... تحمل کرده است.

و امروز ما شاهد هستیم که در آستانه انتخابات و در زمانی که نیروهای مترقی و مبارز مردمی در حال بسیج عمومی برای افشای و نشان دادن ماهیت کارگزاران جدید است "حزب جمهوری اسلامی" و عمال شناخته شده سرمایه در ورق پاره ارگان این حزب دست به یک سری تبلیغات وسیع بر علیه نیروهای خلقی زده و حتی در پشت ماسک دفاع از مجاهدین، حملات خائنانه ای را علیه این نیروهای مبارز و منجمله مجاهدین و انقلابیون مارکسیست - لنینیست شروع کرده است.

حزب جمهوری اسلامی از یک طرف مزدوران ساواکی اش را در کوی و برزن برای سرکوب هواداران سازمان مجاهدین خلق و انقلابیون مارکسیست - لنینیست بسیج میکند و ضد قهرترین و مبارزترین چهره‌های این سازمان را یگانه ای و قیحانه و شرم آور وابسته به محافل امپریالیسم قلمداد کرده و برای بدنام کردن آنان تلاش میکند و از سوی دیگر مزورانه و فرصت طلبانه و خائنانانه در زیر لوای خود - نخواهی از شهدای این سازمان، نابودی افراد مبارز و انقلابی دیگر را پیش میگیرد.

سردمداران ماکیاولیست و فریبکار این حزب که برای رسیدن به اهداف پلید و ضد خلقی شان از توسل به هر دستاویزی کوتاهی ندارند و آشکارا هر وسیله‌ای را با هدف توجیه میکنند امروز بنبجوی هر چه فاشیستی تر شکار انقلابیون و نابودی مخالفان خود را در دستور قرار داده اند. سردمداران این حزب از طریق ارتجاع حاکم از یکسو مجاهدان زند و رزمندگان سالیان دراز را ماهها در زندان

نگهداشته و علیه همزمان دیگر آنها توطئه میکند و از سوی دیگر تحت نام خونخواهی مجاهدان شهید، هر روز صحنه‌های دیگری آفریند.

ترتیب محاکمه محمد تقی شهرام در آستانه برگزاری انتخابات مجلس بطور مشخص از جمله کار-اکتورها و صحنه پردازیهای خائنه و عوامفریبانه این دارودسته ماکیا ولیست و مرتجع است. آنان می‌خواهند و شدیداً میکوشند که با تشکیل باصطلاح دادگاه در این شرایط و در واقع با ترتیب همان پیدادگاه‌های ضد خلقی شاهنشاهی بازم به مغشوش کردن ذهن توده‌ها و بدبین کردن آنان نسبت به نیروهای انقلابی و مبارز جامعه بپردازند.

آنان با محاکمه شهرام میخواهند توده‌های ناآگاه را هر چه بیشتر در لاک توهمات خود فرو برده و بر پایه ناآگاهی آنان به فروریختن هر چه بیشتر افکار مسموم و تباه خود به ذهن و اندیشه آنان مبادرت ورزند. محاکمه شهرام در این شرایط حساس هیچ هدفی جز مقابله با نیروهای انقلابی میهن، رزمندگان سازمان مجاهدین و انقلابیون مارکسیست - لنینیست در بر نداشته و ندارد. ارتجاع زخم خورده میکوشد تا بدین ترتیب از همان توده‌ها را نسبت به پیشروان رزمندگان مغشوش نموده و از این رهگذر به انزوی آنها پرداخته و راه را برای تصرف چند کرسی پارلمان توسط خودش هموار سازد.

ارتجاع برای وصول به هدف‌های پلید ضد خلقی اش از هیچ توطئه‌ای ابا ندارد و ترتیب محاکمه محمد تقی شهرام، این مبارز قدیمی در این وضعیت خاص و در آستانه برگزاری انتخابات جز زمینه سازی برای منزوی کردن نیروهای دمکرات و انقلابی و هموار ساختن راه برای ورود همان سرمایه‌داران فاسد و خیانت پیشه جمهوری اسلامی و کلا ضربه زدن به نیروهای انقلابی و مبارز هدفی دیگر را در پی ندارد.

هیاهوی تبلیغاتی که این روزها روزنامه جمهوری اسلامی ارگان این حزب بزاه انداخته و به بزرگ کردن هر چه بیشتر جریان محاکمه شهرام و آه و ناله عوامفریبانه برای انقلابیون شهید "شریف واقفی" و "صمدیه لباف" سرداده است همه و همه تبارز این حرکت فرصت طلبانه است.

لذا ما ضمن هشدار به کلیه توده‌های انقلابی و مبارز میهن مان، به سازمان مجاهدین خلق ایران، به خانواده شهیدای این سازمان، بخصوص به خانواده‌های شهیدان شریف واقفی و صمدیه لباف و کلیه نیروهای مبارز و دمکرات از آنها میخواهیم که با هوشیاری تمام دست به افشای توطئه‌های خائنه این رسواشدگان معلوم الحال زده و در این مرحله حساس با همان هوشیاری انقلابی و مبارزاتی خود سعی در خنثی کردن این توطئه بنمایند. تردیدی نیست که در زندگی مبارزاتی "محمد تقی شهرام" انحرافات و اشتباهاتی رخ نموده است ولی این بدان مفهوم نیست که ما در این لحظه حساس از توطئه چینی‌های ارتجاع و نیت پلیدش در محاکمه این مبارز غافل بناییم.

ما قاطعانه اعلام میداریم که هیئت حاکمه ضد خلقی و حکام شرع ضد انقلاب ایران بهیچوجه صلاحیت و حق محاکمه این انقلابی را ندارند. ما مانند همه انقلابیون دیگر بدلیل اشتباهاتی در زندگی مبارزاتی شهرام مبارزه ایدئولوژی یا او را در درون جنبش انقلابی تاکید مینماییم. ما برآنیم که تصمیم گیری در مورد شهرام نه در صلاحیت ارتجاع بلکه صرفاً در توان و صلاحیت نیروهای انقلابی مارکسیست - لنینیست و دمکرات جامعه است.

ما یک بار دیگر از همه خانواده شهیدای سازمان مجاهدین خلق ایران، دمکراتهای انقلابی، انقلابیون مارکسیست - لنینیست میخواهیم که در افشای اهداف پلید ارتجاع از تشکیل باصطلاح دادگاه محمد تقی شهرام اهتمام ورزند.

کمیته پشتیبانی از انقلابیون و مبارزان زندانی

۲۱

۵۸ / ۱۲ / ۵

نقطه محاکمه کبری نیست استقلال تقی شهرام را افتخار کنیم

روز جمهوری اسلامی که در هر کجای دنیا کشورها در برابر استقلال
استاده است، در روزهای اول لایحه محاکمه را قبل از اعلام استقلال
اندیشمک بکاران را بد کفول نیستند، روزی که احکامات راسته اسلامی به
روحی است که از کارگران بگیرد تا سرطانی نظارتی با خیال راحت آنها را
استار کند و در ادامه در تکمیل حساباتش در حالیکه بنا را اینجا را هم
بمواجهه انقلاب کبریتان شهرام را به محاکمه بکشد.

تقی شهرام، با روی که مرتکب آنه سال در برابر مردم داشت
شاه خانیان سرکف است که روزی شود را وقت این را در کرد و با سرورانش
در سطریان ساهمین خلق که کارنامه انقلابی این را خون شهیدان
روز زده است و در این صفایان آری شهری بنیاد بناورن سر داده و در سر
روز سر کبک شاه به قهر انقلابی روی آورد، اینک اینجا به
چنگ روزم جمهوری اسلامی و در همان لحظه های مبارک تحت دست
مردان جمهوری اسلامی قرار دارند.

در این وقت عاشقی کشف و خون سرور جدی چون احمد رضا
و اصغر میرزا جعفر ملان که سابقاً در خدمت شاهان بنیادین و سر
داشته با با خطاست، مالی کلیدی بر علیه انقلابی این بر این
و در کبر روزان امینی جمهوری اسلامی و به سعادت و شکوه و بار خویی

سید علی

نقطه علیه انقلابیون افتخار اینگونه

روز اخت اندر با وحشگری تمام بگرشند تا از راهی که در آن زمان مملکت
خاصی بود به منظور تلخ بر علیه کردستانها و بیرون راندن مخالفین از سر راهی
و این کار را کردند.

نقطه حلقه مدعیان آنی که جمهوری انقلابی ایران دولت مردمی و دیموکراتیک
انقلابی را از دست بردارند و درین حال چنانکه این را امتیاز است
که رشد مدارم نیروهای انقلابی و در عین حال با آنکه این مردمی دولت مردمی است
برادر را از جمهوری این حکومت مدعیان این مملکت را در این صورت برین اعتبار
به دست برین و حاکمان است برین نیروهای مخالفین و در این مملکت است و این
این مملکت مملکت میخواند انقلابیون اصل را از این مملکت برین مملکت است
مانع رشد آگاهی خلق شود.

رومندگان کمونیست و مبارزان سوسیالیستی

حاکم کمونیست انقلابی من میفرماید و میگوید که مملکت انقلابی مملکت
بر علیه اینست هر ملت همه کمونیستها و همه نیروهای انقلابی در این مملکت
و سوسیالیستها و سوسیالیستها و با دفاع از عقاید انقلابی او و با استقامت و استقامت
انقلابی مردم حاکم و با انسانیت مملکت انقلابی مردم از مملکت من میفرماید
بر علیه مملکتی که مردم را بر علیه همه نیروهای انقلابی و بر علیه کمونیستها و بر
علیه مبارزان سوسیالیست خلق ایران و در مملکت

مملکت من سوسیالیستها گران و بر علیه مبارز انقلابی

انحاد مبارزه در راه آزادی ملتها گران

زندانیان سیاسی آزاد نباید سزایند

خودفروختگان رژیم آریامهری در مقام بازجویی از زندانیان سیاسی در رژیم جمهوری اسلامی

نیروهای انقلابی! رزمندگان کمونیست!

اخباری که توسط نامه های از درون زندانهای رژیم جمهوری اسلامی بدستمان رسیده است، حاکی از آن است که افراد خائن و خود فروخته کثیف، همچون "احمد رضا کریمی" و علی اصغر میرزا جعفر علاف" از طرف دستگاه قضائی جمهوری اسلامی، برای بازجویی انقلابیون و مبارزین در بند، بکار گرفته شده اند.

این اخبار در کاردها و دهها خبر دیگر مبنی بر بازسازی "ساواک" تحت نام "ساواما" و بکار برگرداندن عناصر کارگشته و خیره "ساواک" منحل و... پیش از آمد توطئه های شومی است که کارگزاران ضد خلقی جمهوری اسلامی برای فرزندان جان باخته انقلابی و مبارز خلق ما که در چنگال جمهوری اسلامی اسیر یا به اسارت در میآیند تدارک دیده اند.

احمد رضا کریمی کیست؟

احمد رضا کریمی در سالهای ۵۰ - ۵۱ در یک محفل مذهبی رفت آمد داشته که در همین رابطه با عده ای از عناصر مبارز از جمله برادر مجاهد مهدی تقوایی آشنا میگردد.

در سال ۵۲ احمد رضا کریمی توسط رژیم دستگیر میشود. او پس از دستگیری خود را در خدمت پلیس قرار میدهد و تعداد زیادی از افراد انقلابی و مبارز را که در روابط مختلف می شناخته است به پلیس معرفی میکند، وسعت این عمل کثیف او بجائی میرسد که نام افرادی را که حتی یکبار با او در مورد مسائل سیاسی و یا بدگویی از رژیم صحبت کرده بودند به پلیس ارائه میدهد. از جمله نامهایی که احمد رضا کریمی به پلیس لو میدهد، نام برادر مجاهد، مهدی تقوایی بود است، که پلیس بخانه او میریزد و چون مجاهد شهید رضا رضائی به خانه او رفت و آمد میکرد است، بطور اتفاقی با پلیس درگیر میشود و در آن درگیری مجاهد رضا رضائی شهید میگردد.

احمد رضا کریمی در ادامه این تحولات های غیر قابل جبران در یک صاحب تدوین شده توسط ساواک نیز شرکت کرده و به بخش مقداری دروغ و اراجیف نسبت به انقلابیون و سازمانهای انقلابی می پردازد و از آن پس بعنوان یک بازجو و شناسائی کننده انقلابیون و مبارزین در خدمت "ساواک" بکار مشغول میگردد.

حاج علی اصغر میرزا جعفر علاف چه کسی است؟

علی اصغر میرزا جعفر علاف، در سال ۵۳ در یک رابطه سمپاتیزاتی با سازمان معاهدین خلق ایران قرار میگردد. او پس از چند سال فعالیت با سازمان، بععلت ضعف و تزلزل از کارهای خود کناره گیری کرده و نهایتاً در سال ۵۷ خود را به پلیس معرفی میکند و با فاش کردن کلیه اسرار مبارزاتی خود و بسیاری جعلیات و دروغ پردازیهای دیگر که توسط ساواک و از آرشین آن برایش تدوین شده بود ضریات مهلکی به صف نیروهای انقلابی ما وارد آورد و به لحن مال گردن

۳۴

مبارزات فرزند آن خلق کبیرمان می پردازد تا بزعم خود بتواند بخواست "ساواک" مبنی بر بی اعتبار کردن فرزند آن انقلابی
میهنمان به پردازد. او با این کار خود وادارگیش را در مقابل ضد خلق و پشت کردن به خلق و مبارزه را بنمایش گذاشت
تا بلکه بتواند به زندگی پست و کثیف انگلی خود برگردد.

هم میهنان مبارز، نیروهای انقلابی و انقلابیون کمونیست!

در زمانی که خائنین چون احمد رضا کربیبی و اصغر میرزا جعفرعلاف باید بخاطر ضرباتی که در اوج دیکتاتوری شاه
خائن بر نیروهای انقلابی خلق ما و سازمانهای رزمنده اش وارد آورده اند در محضر توده ها و دادگاه های خلق به محاکمه
کشیده شده و به سزای اعمال جنایت بار خود برسند، رژیم جمهوری اسلامی و دستگاه قضائی اسلام با بکارگیری از این
خائنین که کوس رسوائی آنها و خیانتهایشان به مبارزین ما در رژیم شاه جنایت کار با لودادن افراد، تشکیل صاحبه های
تلویزیونی و سرکشی به سلولها برای شناسائی انقلابیون اسیر نواخته شده است، قدم در راهی میگذارد و راهی را طی
میکنند که "ساواک" شاه خائن طی نمود.

آری! این دو عنصر خود فروخته پلیس شاه خائن بعلت داشتن آگاهی هایی که از ساواک و کار پلیسی گذشته خود
کسب کرده اند، امروز در مقام بازجویی از زندانیان انقلابی و مبارز که بخاطر آرمانها و ایدئولوژی انقلابی شان تحسنت
پیگرد جمهوری اسلامی قرار گرفته و دستگیر میشوند قرار دارند. بازجویی از رزمندگانی که طی سالهای سیاه با جما -
نفاشی های خود در سنگر مبارزه باقی مانده و در سنگر خلق بمبارزه بر علیه امپریالیسم و عمال مزدور و رژیم شاه جنایت
کار مشغول بوده اند.

ما در زیر قسمتی از یکی از نامه های رسیده از زندانیان جمهوری اسلامی را که سند این رسوائی مرجع قضائی
اسلام و جمهوری اسلامی است برای قضاوت توده های خلقهای میهنمان می آوریم.

.....

در این زندان فرد کثیف خود فروخته و بسیار خطرناکی را بدون اینکه من او و هویت اصلی اش را بشناسم مأمور
کردند که از من اطلاعات کسب کند.

نام اصلی او همان احمد رضا کربیبی، فرد بسیار کثیف و خائن خود فروخته و اما معزوف، بسیار با استعداد
و مطلع از گذشته سازمانها بود، به افاق او را بنام احمدی عنصر داستانی و پاسدار انقلاب معرفی
کردند. آنها با او همکاری میکردند و یا بعبارت دیگر همان استفاده ای را که ساواک از او میکرد حالا
اینجا میکردند. پرونده هارا در اختیار او میگذارند و او با توجه به شناسائی های قبلی اش که در حصریان
کار با ساواک بدست آورده بود برای آنها گزارش تهیه میکرد.

او چهره انقلابی و مخالف دستگاه بخود میگرفت و طی ۵ / ۴ ماه انواع شگردها را بکار برد و عاقبت
با روشیدن دستش بعنوان شکجه گروانی مشغول بکار شد.

.....

بعد از همکاری شرم آور آنها با احمد رضا کربیبی که هنوز نیز در خدمت آنهاست و حتی دستهای هم
پیشنهاد کرده بودند او را به کردستان برای بازجویی ببرند، به امر شرم آور دیگری هم در اینجا رو برو شدیم.
اصغر میرزا جعفرعلاف، کسی که در سال ۵۶ خودش را به پلیس معرفی کرد و در سال ۵۷ (اگر تاریخ
را اشتباه نکنم) طی یک مصاحبه فرمایشی انواع فحشها را نثار انقلابیون کرد، در اینجا همراه کجویی (بایک
ضبط صوت مخفی در جیب کجویی که در آخر آنرا کشف کردم) شروع به بازجویی و توهین و سؤال از من کرد.
از انواع تهمتها و دروغهای شاخدار را که حتی یک ساواکی نیز حاضر به طرح آنها بر علیه ما در تبلیغات
خود نبود (به دلیل اینکه بیشتر خودشان را رسوا میکرد مطرح کرد).

خبر دیگری حاکی از آن است که کمالی (کمانگر) بازجوی معروف ساواک مدت زیادی است دستگیر گردیده و دست اندرکاران رژیم جمهوری اسلامی از آنجائیکه سرگرم تهیه شوی تلویزیونی دیگری همچون تهرانی هستند تا از این خائنین به خلقهای ما بر علیه نیروها و سازمانهای انقلابی استفاده نموده و ادگانه آنها را به تریبونی بر علیه نیروهای مبارز بدل سازند ، دستگیری او را اخیراً اعلام کرده اند . در صورتیکه او قبلاً دستگیر شده و یکبار دیگر هم دستگیری او توسط جواد اعلام شده بود .

کلیه افراد بند یک زندان اوین نیز از این مسئله آگاه هستند . ما از همه نیروهای انقلابی و رزمندگان کمونیست میخواهیم به افتناء عملیات ضد خلقی رژیم پرداخته و توده های خلق ما را از چنین جنایاتی که در جهت استقرار دیکتاتوری جدید انجام میپذیرد آگاه گردانند . در پی ، مدرک خود فروختگی اصغر میرزا جعفر علاف را از روزنامه کیهان ۷ اردیبهشت سال ۵۷ در معرض قضاوت شما قرار می دهیم تا ماهیت دست اندرکاران رژیم جمهوری اسلامی ایران آشنا گردید .

کمیته پشتیبانی از زندانیان انقلابی و مبارز

۵۹ / ۱ / ۲۵۰

یکی از اعضاء گروه مارکسیستهای اسلامی که طی چند سال فعالیت در این گروه و همکاری با کادر رهبری آن سرانجام با احساس پشیمانی ، از رفتار گذشته ، خود را بمراجع ریبرسط تسلیم کرده است ، در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرد و ضمن شرح فعالیتهای خود به سئوالات خبرنگاران جواد جواب گفت . در این مصاحبه ابتدا علی اصغر میرزا جعفر علاف چنین آغاز سخن کرد .

.....

کیهان

پنجشنبه ۷ اردیبهشت

شماره ۲۵۳۷ ۱۰۴۴۸

۲۳

اعترافات یک عضو گروه مارکسیستهای اسلامی



علی اصغر میرزا جعفر علاف (نفر سوم از سمت چپ) در مصاحبه با خبرنگاران رسانه های گروهی

تقی شهرام هنوز ممنوع الملاقات است



سیاواکی‌ها دست‌نشانده آزاد میشوند، جاسوسان آمریکایی حق ملاقات با کشتیمان و آمریکائیان را ندارند، شیخ الاسلام زاهد همدان ریاست‌مندی شرایط زندگانی میکنند، اما کسی که در زمان سیاه‌دیکتاتور توری شاه مبارزه کرد و دست‌مخام حقوق ملاقات با خانواده نداشته است!

اجرا کردیم که این تا آخرین محارفات سازمانی در مورد او بوده است. همانطور که قبلاً هم گفته‌ایم، ابحراف او از مواضع اصولی در سترسایزده تا ارتجاع او میراث‌الکسیمی در اردوی انقلاب بوده و تخطیل و تصمیم‌گیری ما سر در صورتاً و در وقت از همین زاویه می‌توانست باشد. او را این روست که ما از تقی‌شهرام در مقابل خائسین و خائسکارانی که انقلابیون را در گوشه و کنار کوشور شوروی می‌کنند، اجتماع لیک‌زان را به گلوله می‌بندیدند، قارزها و فیلان‌ها می‌آفرینند، دفاع می‌کنیم. و برای این معیاد دستگیری شهرام را از جانب رژیم می‌گرفتیم بخون غلتهای انسان آغشته است و هر روز در یک گوشه از کشور مسافرت همچون راهزنان، انقلابیون را شکار می‌کنند و روشهای فاشیستی را که در مورد او طی این مدت اعمال شده، تجدیداً محکوم می‌کنیم و آرا حلقه‌ای از خیرساینتهای اصلاحی رژیم می‌دانیم که هم‌اکنون در دستکاری از زمینه‌های دیگر به اجرا در می‌آید.

آری تقی شهرام که در سالهای سیاه‌دیکتاتور توری کینه انقلابی خود را به آمریکا نسبت می‌دهد و آمریکا را پذیرای خود را با رژیم شاه در عمل نشان می‌دهد، است نمی‌تواند توسط کسانی که علیه رژیم ما دست‌نشانده می‌گردند محاکمه گردد.

اما دستگیری تقی شهرام ابغاد توسط آمیزدگیری نیز در ارد. حزب جمهوری اسلامی که معرکه گردان اصلی این یوخته است، سعی بر آن دارد که تا توسل حستن به مسئله دروسی سازمان مجاهدین در سالهای گذشته، که به هیچ رو از نیاطی به این سیاست پیشگان وقت در دوختگان سالهای عقبان ندارد، وسیله‌ای برای کوبیدن سازمان مجاهدین و جمله کدو نیستها بخصوص سازمان بیگاری بدست آوردن ناندیما حزب جمهوری اسلامی که هم‌اکنون با بسیج جفاقداران و جاقوکیان خزانه‌ای در برابر کوشور مجاهدین را آماج حملات خود قرار داده است، مزورانه می‌کوشد با بهره‌مندی و امجا هدا تقی شهرام را به محاکمه بکشد.

نزدیک به ده ساله است که شهرام بدون حتی یک ملاقات ساده با خانواده‌اش در زندان جمهوری اسلامی است. رژیم آمریکا و اکی‌ها را دست‌نشانده آزادی می‌کند، اگر در حین مسافرت آن را به شهری از آن قانون منع تعقیب در پناه

گردید، به ده ماه است که از دستگیری محمد تقی شهرام می‌گذرد. و در طی این مدت در زندان رژیم جمهوری اسلامی از ابتدائی ترین حقوق یک زندانی محروم بوده است. جسمی وکیل او هنوز نتوانسته موکل خود را ملاقات کند. محمد تقی شهرام انقلابی سالهای حقان و دیکتاتور توری، با ایست بر گذارتن بیض از ده سال فدا گشت انقلابی بر علیه رژیم وابسته به آمریکا نیست. اما خائسین در زندان رژیم است که به ذریع سنگ اخسائیت و معنویت بشمار می‌رود و لیکن بر یوسین الفاظ مردم فریبی چون عدل الهی و غیره طالعانه سر بر تن سبزه‌ها را در زمین گرفته است. حتی در زمانی که در وقتاً روحساینتاش با زندانیان سیاسی جسم و معرفت جهانتان را برانگیخته بود، حدت اقل طواغرها مرعاست می‌شد و بندرت می‌توان سرخ داشت که منا در اسیری بیض از غم الهی ۷ ماه بدون ملاقات نگه داشته بود تا استخلاف رژیم جمهوری اسلامی علیه غم‌قولیستی که خود وضع کرده، ابتدائی ترس حقوق زندانی را به لگدمال می‌کند. ماده ۳۲ آئین نامه دادگاه‌ها و ادارات های انقلاب، حق ملاقات زندانی را حتی برای کسی که مجرم شناخته شده و به زندان محارفات محکوم گردیده است، رسمیت می‌بخشد. لیکن هسنت خاکمه مدخلی را با زعمایست مانتون چه کار کرد!

در طول این ده ماه، علیه رسم مراجع‌های مکور و وکیل و خانواده شهرام، مقامات زندان اسلامی مانع از ملاقات شده‌اند. شهرام اکنون در سخت ترین شرایط زندان است. بدون اینکه از حقوق ابتدائی یک زندانی برخوردار بوده باشد.

در مورد تقی شهرام که در تاریخ ۵۸/۴/۱۵ به اعزازت در ۱۵ ماه است، موضع ما کاملاً بی‌دویش است. ما در اطلاعیه مهرماه ۵۷ بخش بی‌عیب و اطلاعیه توضیحی زمستان ۵۷ و همچنین در جزوه تحمیر و تحولات دروسی سازمان مجاهدین خلق ایران و آخرین شماره در اعلامیه "درباره دستگیری تقی شهرام" مورخ ۵۸/۴/۱۵ توضیحات کافی داده‌ایم. ما بر میثای تحلیلی که از حرکت وی در جریان تحمیر و تحولات دروسی دانسیم، او را از حق مشیت از (س.م.

۲۷

ایطهار داشته نامهای از ممبرین در این رساله و...
 همسر شریف واقفی به تشکیلات میگوید من خیانت کار هستم و
 هرآ باید اعدام کنند این نامه مدت چند ماه بعد از اینکه نویسنده
 نامه و شهید مجید شریف واقفی در خفا دست به اقداماتی بر علیه
 انضباط و موازین تشکیلاتی میزنند نگاهداشته شده جالب توجه
 است که خود اینها شریف واقفی را شهید اعلام می کنند از یک
 سو خود شریف واقفی گفته من خائن هستم مگر اعدام کنید و از
 اینطرف هم میگویند مجید شریف واقفی شهید شده و بیعت دار
 همان جزواتشانهم حتی کسانی که مجید شریف واقفی را اعدام
 می کنند بنام ایپورتو نیست و خائن و تفرقاتکن میخوانند و حتی
 اعدایش را یک عمل ضد انقلابی معرفی می کنند این کوسه و
 زیش بهن چگونه باید یا هم دیگر جمع کرد و قضاوتش با هم
 چنین این نامه بخوبی گواه است که چه مقرراتی در یک سازمان
 چریکی در یک شرایط جنگ رودرو با دشمن تا بدندان مسلح
 جریان دارد و چگونه رفقای که چنین مقرراتی رامنع می کنند
 خود مجازات سنگین را می کشند. این نامه از جمله اسناد و
 مدارکی است که بخوبی میتواند چهره کسانی را که میکوشند
 جریان شهادت تأسف بار مجید شریف واقفی که معلول منشاء
 طبقاتی نیروهای انقلابی، شرایط خفقان و دیکتاتوری خشونت با
 پلیس و وضعیت جنگی سازمان انضباط و مقررات ناشی از آن،
 جوانی و بی تجربهگی جنبش در حل معضلات ایدئولوژی، سیاسی
 سازمانی میباشد و در مجموع در جریان یک مبارزه سهمگین
 فداکارانه و خوببار علیه رژیم شاه خائن و اربابان امپریالیستش

**شهید صمدیه لیاقت رهبران گروه
 ادعا داشتند، مسا در عمل همه
 مارکسیست رسیداریم ولی زمانیکه من
 و چند نفر دیگر و مجید شریف واقفی
 که یکی از افراد موثر و فعال و از
 رهبران گروه بود با آنها مخالفت کرده
 و حاضر به پذیرش مارکسیست نشده و
 میخواستیم بسک «گروه مذهبی»
 تشکیل دهیم، اقدام به ترور ما کردید.
 حسن توسلی نیز گنه یکی از
 اعضای مسلمان سازمان مجاهدین بود
 در سال ۵۵ توسط کادر رهبری تصفیه
 و بقتل میرسد.**

روی داده است را بعنوان یک حادثه جنائی غالب بزنند افشاء
 می کنند. نامه مورد بحث در آرشیوها و بایگانیهای بخش منشعب
 از مجاهدین موجود است مادر صدد هستیم بکمک سایر رفقا آنرا
 از میان انبوه مدارک و اسناد موجود در بایگانیها استخراج نمائیم.
 بدیهی است در صورتیکه دادگاهی با مشخصاتی که ذکر کردیم
 تشکیل شود حضور این نامه و سایر اسناد و مدارک را ارائه
 خواهیم داد حتی اگر در همین محاکمه رضوایی که جریان دارد
 بویکل منتخب رفیق شهرام اجازه ملاقات با شهرام و بررسی و
 مطالعه پرونده وی داده شود ما نامه را به همراه سایر اسناد و مدارک
 در اختیار وکیل منتخب وی قرار خواهیم داد.
**«گروهی از اعضای سابق سازمان مجاهدین خلق
 و اعضای سابق بخش منشعب از این سازمان
 ۵۹۱۴۲۵»**

تذکر: نتیجهای از این اطلاعیه برای کلیه روزنامههای صبح و
 عصر تهران و خانواده تقی شهرام و همچنین نشریات سیاسی
 زیرفرستاده میشود.
 کار، بیگانه، روزمندگان، انضلاب، نسرده، حقیقت.....
 فتوایی از پرونده شهید مرتضی صمدیه لیاقت
 هوالدی بحث.....

(قسمتی از پرونده صمدیه لیاقت را در زیر میخوانید، لازم به
 توضیح است که مطالب ذیل توسط نماینده دادستان قرائت شد:
 خداوند کسی است که از میان مردم رسولی را برانگیخت تا
 بچواید برای ایشان آیاتش را و تعلیم دهد آنها را کتابت و دانش در
 خالیکه اول در گمراهی آشکار بودند در ایضا من منظورم دفاع از
 آنچه گردام نیست بلکه مقصودم آوردن نمونهها و وقایعی است
 که من در این دوره با مارکسیستها داشتم تا اینکه تذکر و هشدار
 به جوانان مذهبی باشد که ناخواسته در دام کمونیستها می افتند

۷۰۳

مسئله باضانه امدان فردی در کادر رهبری ترور شده صمدیه
 مارکسیست بود و دروغ وانمود میکرد که مسلمان است و برای ما
 قرآن میخواند تا زمانیکه قرآن اشتباه نداشت و همیشه پایین
 بودن سطح تئوری با کمی آگاهی اعضای گروه واقفی شده
 مارکسیست شدن گروه گردید.
 رهبران گروه ادعا داشتند مسا در عمل همه مارکسیست
 رسیداریم ولی زمانیکه من و چند نفر دیگر و مجید شریف
 واقفی که یکی از افراد موثر و فعال و از رهبران گروه بود با
 آنها مخالفت کرده و حاضر به پذیرش مارکسیست نشده و
 خواستیم یک گروه مذهبی تشکیل دهیم اقدام به ترور ما
 کردید. آیا شریف واقفی به خاطر خیانتی که کرده (فقطا خیانتش
 این بوده که مسلمان شده و میخواست مسلمان خاص باشد) و
 حاضر به پذیرش مارکسیست نشده و خواستیم یک گروه مذهبی
 تشکیل دهیم اقدام به ترور ما کردید. مجید شریف واقفی را در
 سر یک قرار زدند و کشتند و متهم که متحکوم بترک شده
 بودم به محلی کشانده و بسویم تیراندازی کردند در حالیکه
 شدت مجروح شده بودم اسلحه کشیده و مقابلاً نسبتاً آنها
 تیراندازی کردم و پس از این ماجرا همه بیمارستان رفیق
 و از آنجا توسط مأمورین به بیمارستان شهربانی منتقل شدند. آنها
 چرا چنین کردند چون رهبران گروه تنوعیت حضور را در خطر
 میدانند و مطمئن بودند دیگر ادعاهای ظاهر علمی و تئوری را
 فیلمهای آنها که ما در عمل بدان رسیدیم خنثی کرد و دیگر
 قابل قبول نمی توانست باشد.

کسی بنام حسن توسلی کشته شده بوده که بعد متوالی خطر
 شده نهایتاً سازمان اطلاعات و امنیت کشور در آن زمان در اسلحه
 با پروندههایی که داشته خلاصهای از پرونده را در اینجا آورده
 برابر بررسیهای معموله بدنیال تغییر موضع ایدئولوژی گروه
 اصطلاح مجاهدین خلق و پذیرش مارکسیست تعدادی از اعضای
 گرایش مذهبی ضمن انشعاب مبارزت به تشکیل شاخههای
 مذهبی از گروه مذکور نموده که به همین مناسبت بین آنها
 اختلاف عقیده ایجاد و گروه مارکسیست مذکور در صدد تصفیه
 عناصر مخالف برآمده و چون نامبرده (حسن توسلی) از عناصر
 مذهبی بوده و احتمالاً اطلاعات با اهمیتی از وضعیت گروه داشته
 توسط اعضای مخفی گروه مورد بحث که اختیارات در جریان ضربات
 وارده حسن توسلی که جزء عناصر مذهبی بوده که توسط گروه
 مارکسیست، مذکور تصفیه و بقتل رسیده و قاتل یا قاتلین نامبرده
 در جریان ضربات وارده به آنها در سال گذشته شفق و دستواری
 گشتهاند.
 توضیح:
 تمام قتلها و تصفیههایی که بوجود آمده همه در اسلحه با
 تصفیههای ایدئولوژیکی سازمان بوده.
 قسمتی دیگر از گفتههای شهید صمدیه لیاقت

از حدود ۸ ماه پیش من در جریان مبارزه ایدئولوژیکی قرار
 گرفتم جریان از این قرار بود که مجید شروع کرد به کشایههایی
 زدن از این قبیل که کم کم دارند زیر پای خدا را خارو میکنند
 افرادی که مذهبی هستند بعلت داشتن چنین تفکری بنا شده بود
 تفکر خود را عوض و ابداع کنند بدین شکل که بکار گری برورند و
 ابقدر کار کنند تا قدرت پذیرش مارکسیست را بپندارند و بعداً
 اینکه در گوشههای قرار گیرند و به کارهای خورد و کاری بپردازند
 کم کم وضع خود را عتادی کرده و شغلی پیدا نموده و زنی هم
 گرفته و بتدریج کنار بروند یا صحبتهایی از این قبیل میکنند که
 تمام صفتها و ویژگیهایی که ما تا بحال خوردیم مربوط به تفکر
 ایدهآلیستی و مذهبی بوده که داشتهایم و اینها از گمراهیها
 خرده بورژوازی ما و اگر ایدهآلیسم نبودیم، اگر چنین تفکر
 مذهبی را نداشته بودیم اصلاً ضربهای هم نمی خوردیم خلاصه
 صحبتهایی به این ترتیب، با استماع آخرین گزارشات از پرونده
 باآن گرفتار وقت، دادگاه برای صدور حکم نهایی وارد شور شد

احتراقی): این مواد مرحله انفجار را بکنند می گذرانند و بتدریج تولید گاز مینمایند. گاز حاصله قادر است جسمی را بفشارد که از این خاصیت برای پرتاب گلوله خمپاره و موشک استفاده میشود که از این مواد میتوان باروت و کوردایت را نام برد.

ب: مواد منفجره سریع (شکندنده عالی تخریبی): این مواد در یک لحظه، مرحله انفجار را گذرانند و در نتیجه گاز حاصله باطراف جسم فشار آورده و آنرا تخریب میکند. که از این خاصیت برای خراب کردن و نابود کردن موانع و یا از بین بردن هدفهای دشمن استفاده میشود و بعنوان مثال تی ان تی و دینامیت را میتوان جزء این گروه نام برد.

چاشنی:

مواد منفجره برای انفجار نیاز به فشار و حرارت مناسبی دارد و برای ایجاد چنین شرایطی از مواد منفجره حساس استفاده میشود که اصطلاح نظامی باین مواد انفجاری چاشنی میگویند. انفجار چاشنی در میان مواد منفجره حرارت و فشار را متناسب ایجاد کرده و باعث انفجار مواد منفجره میشود. چاشنی مواد منفجره کند را در ظرفهای مخصوص ریخته و بان کپسول گویند.

چاشنی مواد منفجره عالی (سریع) را در ظرفهای آلومینیومی یا مسی ریخته و بان صاعق گویند.

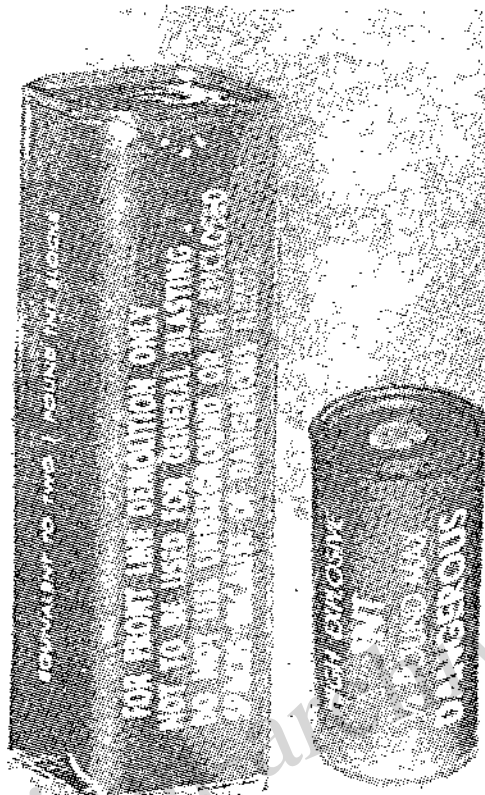
تی ان تی (تری نیترو تولوئن):

تی ان تی یکی از مواد منفجره تند شکن میباشد که از ترکیب اسید نیتریک برتولوئن (یکی از مشتقات نفتی) در مجاورت اسید سولفوریک بدست میآید. تی ان تی حاصل بصورت رسوبی (پودر) و برنگ آبی روشن دیده میشود. سرعت انفجار آن ۶۳۰۰ متر بر ثانیه و قدرت تخریب آن برابر یک میباشد. در آب حل نمیشود و در برابر ضربه غیر حساس است. بوسیله ضربه گلوله کلت و یا تفنگ منفجر نمیشود. ولی بوسیله رگبار گلوله های متمرکز مسلسل منفجر میشود. گازهای حاصل از انفجار تی ان تی سمی بوده لذا از کاربرد آن در فضای پوشیده و مسدود بایستی خودداری کرد. قابل تذکر است که کسائیکه با تی ان تی سروکار زیاد دارند در صورت ایجاد سردرد می توانند برای رفع آن چند لیوان شیر بنوشند.

تی ان تی خالص را با مواد دیگری ترکیب و یا مخلوط کرده و بصورت خمیری یا قالبهای مختلفی در میآورند که یکی از پر مصرف ترین مواد منفجره نظامی میباشد. خواص این قالبها با تی ان تی خالص اندکی متفاوت است. قالبهای تی ان تی در ۹۰ درجه سانتیگراد ذوب و در ۲۴۰ درجه سانتیگراد

شعله ور میگردد. و به علت حساسیت کم در مقابل ضربه و نیز به علت ثبات آن در مقابل رطوبت و آب برای کارهای تخریبی در مناطق رزمی بکار برده میشود. همچنین قالبهای تی ان تی را به خاطر حساسیت کم میتوان براحتی ذوب کرده بصورت های مختلفی درآورد.

قالبهای تی ان تی توسط چاشنیهای که دارای پتیریت بوده و یا بوسیله فتیله های



انفجاری منفجر میشود. یا توجه باینکه پودر تی ان تی با فلیمینات جیوه منفجر میشود. پوشش این قالبها معمولاً مقوائی بوده و برنگ سبز زیتونی است که با رنگ زرد و زن و اسم «TNT» بر روی آن نوشته شده است. و همچنین دوسر آنرا با یک پوشش فلزی بسته بندی کرده اند که در یک طرف پوشش فلزی سوراخی برای گذاشتن صاعقه (چاشنی) تمبیه شده است.

چاشنی - برای انفجار یک بسته مواد منفجره (خرج اصلی) بمانند پی ان تی، نیازمند

به حرارت و فشار مناسبی است که میتواند با انفجار چاشنی که عبارت از مقداری مواد منفجره حساس است آن شرایط را بپوش آورد.

چاشنی تشکیل شده از یک غلاف (لوله فلزی که یک طرفش مسدود شده است) و نصف آن از ماده منفجره حساسی که در مقابل گرما و ضربه حساس است پر شده چند غلاف از مس یا آلومینیوم میباشد. بنابراین چاشنی (صاعق) ها بسیار حساس اند و باید با احتیاط با آنها برخورد کرد و آنرا از گرمای زیاد و آسیب پذیری (ضربه فشار) دور نگهداشت. و نباید با آنها زور رفت. چاشنی ها را نباید با مواد منفجره در یکجا انبار نمود و همچنین نباید آنها را با مواد منفجره یکجا حمل و نقل کرد. صورت اضطرار بایست دقت زیادی جایگزین کردن چاشنی ها مبذول داشت.

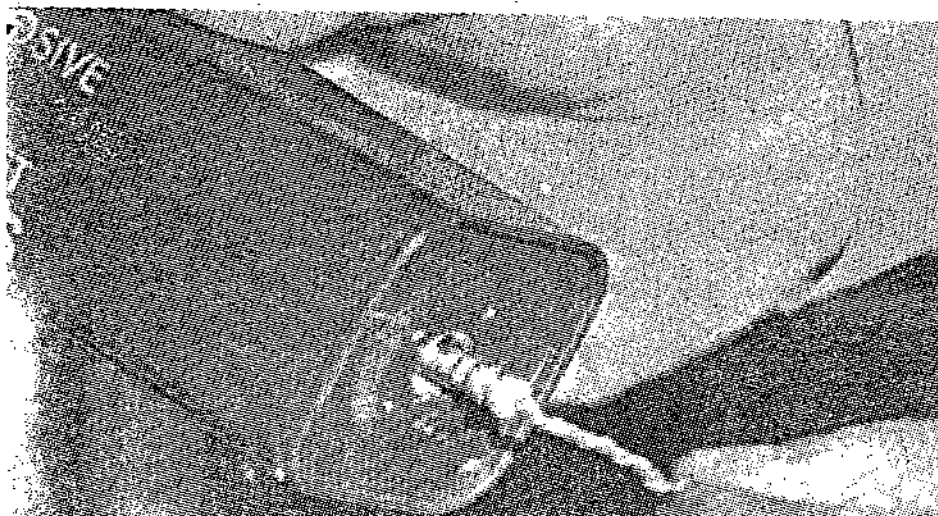
انواع چاشنی ها:

۱- الکتریکی، که از دو رشته هادی که برای اتصال به مدار آتش یگان و معمولاً طول سیم از یک تا ۳ متر میباشد سیم هادی مزبور از میان یک ماده که به غلاف مسدود شده است، گذشته و یک سیم مقاوم وصل میگردد هرگاه دو سیم را به یک باطری یک و نیم ولتی و کنیم سیم مقاوم داغ شده در نتیجه مواد است را فوراً مشتعل می کند و همزمان با چاشنی منفجر می شود.

۲- فتیله پاروتی:

اگر بخواهند از صاعق های الکتریکی استفاده نشود مقداری معین از فتیله پاروتی بریده و داخل غلاف صاعق می کنند. دیگر فتیله را بصورت مورب بسته و در غلاف را بوسیله انبردست های مخصوص فتیله محکم می نمایند. هرگاه شعله از فتیله برسد، فتیله پاروتی شعله را به دیگر فتیله منتقل می نماید یا رسیدن چاشنی، علاوه بر انفجار چاشنی مواد منفجره را نیز منفجر می نماید.

در مقاله شماره آینده در باره چاشنی مواد منفجره گفتگو خواهیم کرد.



زمن خواسته بودند که ورود افراخته به آن فرد
 اخبریدم (من با بهرام قراری داشتم که
 جانشین او را این جابه بعد چون قبلا نیز
 اجماع به این عمل زیاد صحبتی نشده بود
 شتابانی صورت گرفت . اولاً " من محلل
 استقرار قبلی خود را که می خواستم قبل از ورود
 افراخته و آن فرد به کوچه نیز آنها را دیده باشم
 فیابان ری در چهارراه ادیب یعنی محل ۲
 در نظر گرفته بودم ولی آنها فکر می کردند که
 من در محل ۴ می ایستم . من پس از دیدن
 افراخته و آن فرد داخل خیابان شدم و بسه
 سرعت این مسیر را طی کردم و دو چادر همراه
 خود داشتم که یکی سرم بود و داخل کوچه
 چادر را عوض کردم که اگر آن فرد مراد دیده
 باشد پس از ورود به کوچه ، متوجه من نشود
 ولی بعد که به محل آمدم متوجه شدم که ماشین
 یک کوچه جلوتر از محلی که من فکر می کردم
 ایستاده و من نیز به جای محلی که قبلاً " قرار
 بود ایستم در محل شماره ۲ که در کرکوی
 نشان داده شده ایستادم و علامت را نیز قرار
 بود که با چادرم بدهم و همین طور قرار بود
 که پس از آنکه آنها کمی نزدیکتر آمدند من
 محل را ترک کنم . محل صحیح استقرار من

در محل شماره ۵ بود ولی من چون محل ماشین
 عوض شده بود و در ضمن آنها که در محل بودند
 تصور می کردند که من نخواهم آمد و راننده
 بجای من در محل شماره ۵ ایستاده بود ، در
 محل شماره ۲ ایستادم و در نتیجه راننده علامت
 را برای فردی که قرار بود علامت را بگیرد
 تکرار کرد و بعد من از طریق مسیری که در کرکوی
 کشیده شده است از منطقه خارج شدم .
 و در موقع خروج صدای گلوله را نیز شنیدم "
 جای شک نیست که خانم منیژه اشرف
 زاده برای فرار از مجازات ، خود را بی خبر
 از توطئه میدانند زیرا که به هیچ وجه ممکن
 نیست که در یک عملیات بسته اعضای یک تیم
 از کم و کیف قضیه اطلاع نداشته باشند آن
 هم فردی مثل خانم منیژه اشرف زاده که از
 شوهرش طلاق گرفته و فرزندش را نیز رها نموده
 و سوگلی و مورد اعتماد کارهای بالا بوده است .

۲- شهادت مرتضی صمدیه لیاف
 ظاهر رخیمی در اوراق باز جویی خویش
 جریان شهادت مرتضی صمدیه لیاف را بشرح
 زیر نوشته است :
 " مدتی بود که من میدانستم مرتضی

در مقابل مارکسیست شدن مقاومت می کنند
 به هیچ وجه دست از اسلام بر نمی دارد ولی
 با این حال معتقد است که باید مبارزه کرده
 و گفته که من در هر صورت در کنار شما مبارزه
 خواهم کرد . " (۱)
 سپس در شرح واقعه توضیح میدهد که :
 " جریان عمل از این قرار بود شب
 دوشنبه علی (بهرام) به خانه تیمی ظفر
 آمد و در حالیکه شدیداً ناراحت بود این
 مسأله را طرح کرد که از این به بعد دیگر آنها
 به صورت دشمنان ما خواهند بود و با توجه به
 تعصب شدید مرتضی در امور مذهبی ممکن است
 بعد از این مهمترین رسالت خود را از بین بردن
 افرادی بدانند که سازمان را به مارکسیسم سوق
 دادند (در این صورت خود او یعنی بهرام
 بیش از همه در معرض خطر قرار داشت و از این
 جهت نیز نگران بود) و در این صورت وضفاً
 با توجه باینکه در آنروز بحث می شد که اگر ما
 با آنها فرصت بدهیم یک سازمان دست راستی
 همانند فالانژ بیستهای لبنان در ایران بوجود
 خواهد آمد که رسالت خود را مبارزه با مارکسیستها
 میداند . تصمیم گرفته شد هر چه زودتر آنها را
 از بین ببریم لاف درازی آن شب یعنی دوشنبه

سند شماره ۵

سند شماره ۵

تاریخ: ...

موضوع: ...

بازجوی از: ...

شهادت مرتضی صمدیه لیاف

ظاهر رخیمی در اوراق باز جویی خویش

جریان شهادت مرتضی صمدیه لیاف را بشرح زیر نوشته است :

" مدتی بود که من میدانستم مرتضی

صمدیه لیاف در اوراق باز جویی خویش شهادت داده است که در روز دوشنبه ۱۳۵۷ در محل شماره ۲ کرکوی ادیب ایستادم و در نتیجه راننده علامت را برای فردی که قرار بود علامت را بگیرد تکرار کرد و بعد من از طریق مسیری که در کرکوی کشیده شده است از منطقه خارج شدم . و در موقع خروج صدای گلوله را نیز شنیدم "

جای شک نیست که خانم منیژه اشرف زاده برای فرار از مجازات ، خود را بی خبر از توطئه میدانند زیرا که به هیچ وجه ممکن نیست که در یک عملیات بسته اعضای یک تیم از کم و کیف قضیه اطلاع نداشته باشند آن هم فردی مثل خانم منیژه اشرف زاده که از شوهرش طلاق گرفته و فرزندش را نیز رها نموده و سوگلی و مورد اعتماد کارهای بالا بوده است .

۲- شهادت مرتضی صمدیه لیاف

ظاهر رخیمی در اوراق باز جویی خویش

جریان شهادت مرتضی صمدیه لیاف را بشرح زیر نوشته است :

" مدتی بود که من میدانستم مرتضی

صمدیه لیاف در اوراق باز جویی خویش شهادت داده است که در روز دوشنبه ۱۳۵۷ در محل شماره ۲ کرکوی ادیب ایستادم و در نتیجه راننده علامت را برای فردی که قرار بود علامت را بگیرد تکرار کرد و بعد من از طریق مسیری که در کرکوی کشیده شده است از منطقه خارج شدم . و در موقع خروج صدای گلوله را نیز شنیدم "

جای شک نیست که خانم منیژه اشرف زاده برای فرار از مجازات ، خود را بی خبر از توطئه میدانند زیرا که به هیچ وجه ممکن نیست که در یک عملیات بسته اعضای یک تیم از کم و کیف قضیه اطلاع نداشته باشند آن هم فردی مثل خانم منیژه اشرف زاده که از شوهرش طلاق گرفته و فرزندش را نیز رها نموده و سوگلی و مورد اعتماد کارهای بالا بوده است .

سند شماره ۶

سند شماره ۶

تاریخ: ...

موضوع: ...

بازجوی از: ...

شهادت مرتضی صمدیه لیاف

ظاهر رخیمی در اوراق باز جویی خویش

جریان شهادت مرتضی صمدیه لیاف را بشرح زیر نوشته است :

" مدتی بود که من میدانستم مرتضی

صمدیه لیاف در اوراق باز جویی خویش شهادت داده است که در روز دوشنبه ۱۳۵۷ در محل شماره ۲ کرکوی ادیب ایستادم و در نتیجه راننده علامت را برای فردی که قرار بود علامت را بگیرد تکرار کرد و بعد من از طریق مسیری که در کرکوی کشیده شده است از منطقه خارج شدم . و در موقع خروج صدای گلوله را نیز شنیدم "

جای شک نیست که خانم منیژه اشرف زاده برای فرار از مجازات ، خود را بی خبر از توطئه میدانند زیرا که به هیچ وجه ممکن نیست که در یک عملیات بسته اعضای یک تیم از کم و کیف قضیه اطلاع نداشته باشند آن هم فردی مثل خانم منیژه اشرف زاده که از شوهرش طلاق گرفته و فرزندش را نیز رها نموده و سوگلی و مورد اعتماد کارهای بالا بوده است .

۲- شهادت مرتضی صمدیه لیاف

ظاهر رخیمی در اوراق باز جویی خویش

جریان شهادت مرتضی صمدیه لیاف را بشرح زیر نوشته است :

" مدتی بود که من میدانستم مرتضی

صمدیه لیاف در اوراق باز جویی خویش شهادت داده است که در روز دوشنبه ۱۳۵۷ در محل شماره ۲ کرکوی ادیب ایستادم و در نتیجه راننده علامت را برای فردی که قرار بود علامت را بگیرد تکرار کرد و بعد من از طریق مسیری که در کرکوی کشیده شده است از منطقه خارج شدم . و در موقع خروج صدای گلوله را نیز شنیدم "

جای شک نیست که خانم منیژه اشرف زاده برای فرار از مجازات ، خود را بی خبر از توطئه میدانند زیرا که به هیچ وجه ممکن نیست که در یک عملیات بسته اعضای یک تیم از کم و کیف قضیه اطلاع نداشته باشند آن هم فردی مثل خانم منیژه اشرف زاده که از شوهرش طلاق گرفته و فرزندش را نیز رها نموده و سوگلی و مورد اعتماد کارهای بالا بوده است .

تهیه مقدمات و تدارکات گذشت قدری هم رباره محل طرح و شکل انجام کار بحث شد و زعمل صبح ساعت ۸ و ۳ دقیقه طبق قراری که بهرام برایم گذاشته بود در خیابان زیبای شرت آباد با حیدر و فرد دیگری که برای اول ارمیدیدمش برخورد کردم همان روز به محل محل رفتیم و به طور کامل آنها بررسی کردیم طرح تازه ای برای عمل انتخاب شد. بعد از ن لازم بود که محلی برای سوزاندن جسد انتخاب شود لذا من ماشین آریای آبی سیف را بهر اگر قسمت و به اتفاق آقای تازه که او را جاوید نامیدیم به جاده او شان و قسم رفتیم نرسیده به لشکرک محلی برای سوزاندن سید انتخاب کردیم وقتی برگشتیم من در کوچه نترف رفقای دیگر یعنی سیاهکلاه و بهرام محسن خاموشی را دیدم که ماشین فرار در طرح رور شریف و آفتی را آماده می کنند و قرار داشتیم آنها پس از انجام عمل خود هر چه و در تر ماشین را در کوچه قائن بما بدهند قرار ۵/۵ و ۵/۴ بود به هر حال آنها نزدیک ساعت ۵/۵ به آتمام عمل را اعلام ردند ولی چون دست سیاهکلاه سوخته بود احتیاج به پانسمان داشت و از طرفی برای مادی

می شد زیرا ما هنوز هیچگونه تمرین برای اجرای طرح نکرده بودیم من با همان ماشین که آنها آورده بودند سیاهکلاه و خاموشی را به خیابان علائی بردم و ماشین سیف الله را به آنها واگذار کردم و گفتم که پس از اتمام کار آنها در یک پارکینگ مثلا "پارکینگ خیابان خواجه نصیر بگذارند و بپسارند که شخص دیگری برای بردن آن خواهد آمد پس از اینکه از آنها جدا شدیم من جاوید را چشم بسته به اطاق پشت اما فراده سید نصرالدین بردم و در آنجا قدری جریان را تمرین کردیم. بعد از ساعت ۷/۵ همراه حیدر (وحید) که تازه به آنجا آمده بود بالجمله به محل حرکت کردیم. طبق کروکی (۱) ماشین را در اولین کوچه شمالی تراز عظیم پور و سلمان فارسی گذاشتیم و من وسائل صندوق عقب ماشین که عبارت بودند از برزنت بزرگی که کف صندوق عقب را کاملا گرفته بود در یک اسفنج بمنظور جلوگیری از سیلان خون را، جو رو مرتب کردم. عمل به این صورت بود که وحید پس از دیدن مرتضی در خیابان نظام آباد او را به کوچه مسجد و کوچه باریک شمال جنوبی انتهای کوی مسجد بکشاند و در انتهای جنوبی کوچه

یا صدای بلند شروع به صحبت کند در این حال نفر شماره ۳ که دختر علامت دهنده است ورود آنها را به کوچه شماره ۴ که مستقیما به او نگاه میکند خبر داده است. فرد شماره ۴ قبلا "از ورود آنها به کوچه مطلع شده به محض شنیدن صدای وحید در حالیکه اسلحه را آماده زیرکتش پنهان کرده به داخل کوچه می پیچد و به محض دیدن مرتضی او را هدف قرار می دهد و بعد من و شماره ۴ (جاوید) جنازه را در صندوق عقب ماشین قرار می دهیم. وحید رانندگی ماشین را به عهده میگیرد و جاوید کنار دستش می نشیند و من در پشت سر جاوید قرار میگیرم و پس از گذشتن از محلهای شلوغ وحید ماشین را به من می سپارد تا جنازه را به محلی که صبح شناسایی کرده ایم ببریم. و اما آنچه اتفاق افتاد:

پس از آنکه وحید مرتضی را به کوچه مسجد آورد دود دختر علامت دهنده که از یکطرف ماء موریت داشت ارتباط گیری وحید و مرتضی را به ما خبر دهد و از طرف دیگر ورود آنها را به کوچه انتهای کوچه مسجد به اطلاع شماره ۴ برساند در محل خود مستقر شد در این موقع فرد شماره ۴ (جاوید) که قدری مضطرب

ند شماره ۷

سند شماره ۸

تاریخ: ...

موضوع: ...

بازجویی از: ...

مقدمت: ...

در این خصوص: ...

تاریخ: ...

موضوع: ...

بازجویی از: ...

مقدمت: ...

در این خصوص: ...

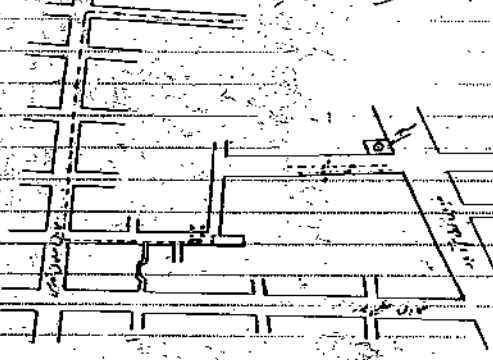
تاریخ: ...

موضوع: ...

بازجویی از: ...

مقدمت: ...

در این خصوص: ...



تاریخ: ...

موضوع: ...

بازجویی از: ...

مقدمت: ...

در این خصوص: ...

امام خمینی:

حل مسئله منافقین از اعظم مشکلاتی است که برای ما و برای اسلام از اول بوده

سیمای منافقین در قرآن

فعلت از حدود آنچه را که خدا بر پیغمبر خویش نازل کرده شایسته ترند عدم آشنایی به ملاک‌های جهانی اسلام و بینش توحیدی مبکی که بالاتر از افکار و طبع محدود بشری است قادر نبودن به درک موقعیت انسان در شناخت موقعیت خطیر و حساب رهایی و ولایت در دیدگاه تشیع و هزاران مسئله دیگر که از ویژگیهای ایدئولوژی توحیدی اسلام است موجب گردیده که منافقان مبارزه مداوم و همیشگی آشتی ناپذیر حق و باطل ایمان و کفر، را که به تعیین قرآن به مانند نور و ظلمت همواره نفی کننده یکدیگرند، به صحنه یا نبرد بازیهای متضاد سیاسی کشانده و تحلیل‌های گسودگانه خویش به انحراف بکشانند.

وَلَنْ نَسْتَنْبِیْهُم لَیْقُولُنَّ إِنَّمَا کُنَّا نَخَوضُ وَاذْهَبْنَا فِی سَبِيلِ اللَّهِ وَرَسُولُهُ یُتْلِیْ عَلَیْنَا الذِّکْرَ لَئِنْ کُنَّا نَرٰهُ سِوٰی اللَّهِ لَنَعْتَدَنَّ لَهُ عِذَابًا عَظِیْمًا (توبه ۶۵)

اگر از آنان پرسى گویند خرف می‌زدیم و بازیچه گرفته بودیم آیا خدا و آیات و پیامبرش را مسخره می‌کنید؟

منافقان بدین هم اکتفا ننموده و زمانی که می‌بینند يك انقلاب پیروز اسلامی و رهبری قاطع آن با ملاک‌های سطحی و متعارفات آنان منطبق نیست، و نمی‌توانند بر مبنای شواهد گسودگانه خویش ایستادگسترد و توحیدی انقلاب را تحویل نمایند و آن را در جهت خواسته‌های خود بکشانند، مگر همه چیز گردیده و می‌گویند، انقلاب توحیدی قریبی بیشتر نبوده است.

وَأَذِیْقُوا الْعٰنَاقِیْنَ وَالَّذِیْنَ فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدْنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا (احزاب ۱۷)

منافقان و کسانی که در قلوبشان مرض است می‌گویند خدا و پیامبرش جز فریب و با وعده نداده‌اند.

کلیه حرکت‌های اجتماعی و سیاسی منافقان هرگز برخاسته از ایدئولوژی اسلامی نبوده بلکه همواره این گروه سعی می‌کنند تمام اعمال و رفتار خود را با این موجه جلوه دادن خود در پیش مردم تنظیم نمایند. قرآن مسلمانان را از این عمل منافقانه جدا هشدار می‌دهد:

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِیْنَ خَرَجُوا مِنْ دِیَارِهِمْ بِطَرَاوِئِ النَّاسِ وَ یَصُدُّونَ عَنِ سَبِیْلِ اللَّهِ (انفال ۲۷)

مانند منافقان نباشید که برای فریب مردم و ریا و تظاهر به جهاد رفتند و مرد را از راه خدا باز میدارند.

امروز اگر در هر گوشه و کنار این مرز و بوم اتفاقی بیفتد سبب‌ترین مسئله برای منافقان این است که از آن موضوع چگونه برای خود نمایی و مطرح شدن خود در جامعه استفاده کنند. آنها حتی از مصیبت‌ها و مرگ انسانها از زلزله و سیل و بی‌خانمانی دیگران نیز می‌خواهند به نفع خویش بهره بگیرند. قرآن می‌گوید این‌گونه روش تخریبی علاوه بر اینکه جامعه را به سوی بینش‌های توحیدی نمی‌خواند بلکه بوجیب دور شدن مردم از آن می‌گردد جمع‌بندی همه این افعال از دیدگاه قرآن چیزی جز خسارت و نابودی منافقان نبوده و نخواهد بود. روزی که منافقان مؤمنان درخواست مقداری از نور مؤمنان در قیامت می‌کنند جواب مؤمنین این است که به گذشته خود برگردید و ببینید آیا عملی که شما را به نور برساند انجام داده‌اید. منافقان فریاد خواهند زد:

یٰۤاَوۤسَتِیۡنَ اَلَمْ تَكُنۡنَ مَعَنَا قَالُوۡا بَلٰی وَاَلۡلَٰهُ لَیۡسَ لَکُمۡ لَئِنۡتُمۡ اَنۡفُسَکُمۡ وَ اَرۡتَبۡتُمۡ غُرُوبَکُمۡ اِلَّا مَآئِیۡ حَتّٰی جَآءَ اَمۡرُ اللّٰهِ وَ غُرُوبَکُمۡ بِاللّٰهِ الْغُرُوبُ (حدید ۴)

منافقان، مؤمنین را ندا دهند که مگر ما با شما نبودیم گویند چرا ولیکن شما خویش را یقین افکنید و درنگ کردید و شک آوردید و آرزوها سرگرمستان نسو تا فرمان خدا بیاید و فریبکاران شما را نسبت به خدا فریب دادند. منافقان همیشه همه را مثل خود می‌انگارند و گمان می‌کنند دیگران نیست مانند آنان به ملت برتری جویی به اسلام روی آورده‌اند.

وَأَذِیْقُوا الْعٰنَاقِیْنَ وَالَّذِیْنَ فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هُوَ لَآءِ دِیۡنِهِمْ وَ مَنْ یَسُوۡكُلُ عَآلَ اللّٰهِ فَاِنَّ اللّٰهَ عَزِیۡزٌ حَکِیۡمٌ (انفال ۲۹)

منافقان به هیچ وجه از انتقادات خود و نیت سازندگی و امر به معروف و نهی از

سیستم فکری بینش منافقانه به گونه‌ای است که منافق با همه چیز و همه کسی حتی با رفقای کافر و یا منافق خویش منافقانه برخورد می‌کند.

اَلَمْ تَرَ اِلَی الَّذِیۡنَ نَاقَوۡا یَسُوۡلُوۡنَ لِاِخۡوَانِهِمُ الَّذِیۡنَ كَفَرُوۡا مِنْ اَهْلِ الْکِتَابِ لَئِنۡ اَخۡرَجۡنَا لَکُم مَعۡکُم و لایطیع فیکم احدا ابدا و ان قوتلکم لننصرنکم واللّٰه یشهد انهم لکاذِبُوۡنَ (حشر ۱۱)

آیا ندیدی منافقان را که به برادران کافر خویش گفتند اگر شما را بیرون کنند ما نیز با شما خارج می‌شویم و اطاعت نخواهیم کرد و اگر با شما جنگ کردند شما را باز می‌کنیم و خدا گواهی می‌دهد که منافقان دروغ می‌گویند. لَئِنۡ اَخۡرَجُوۡا لَآ یَخۡرُجُوۡنَ مَعِہِمۡ و لَئِنۡ قُوۡتِلُوۡا لَآ یَنصُرُوۡنِہِمۡ و لَئِنۡ نَصَرُوۡہُم لَیۡسَ لَہُنَّ الْاِیۡدِیَارُ لَئِمۡ لَآ یَنصُرُوۡنَ (حشر ۱۲)

اگر بیرونشان کنند منافقان با آنان بیرون نمی‌شوند و اگر با جنگ برخیزند منافقان آنان را یاری ندهند و اگر نصرشان دهند پشت به جنگ کنند و یاری نشوند.

در این دو آیه دقیقاً مشخص است که منافقان به هیچ وجه با متحدان و هم‌چشمه‌های خود بی‌سابق نبوده و در صحنه عمل آنان را تنها می‌گذارند. علت از نظر اجتماعی روشن است زیرا که منافقان بهتر از هر کس میدانند که کفار تنها به خاطر موقعیت کذاب و دروغین منافقان در جامعه اسلامی برای نشان ابرویش فالتند و زمانی که ماهیت منافقان در عمل برای مردم روشن شود و مردم بدانند که منافقان در جبهه کنار هستند. تمام موقعیت اجتماعی منافقان در بین مردم از بین خواهد رفت و در این صورت حتی در بین کفار هم‌جانی نخواهند داشت. بنابراین منافقان هرگز حاضر نیستند که ماهیت خود را نشان دهند. رآن می‌گوید:

لَا یَقَاتِلُوۡکُمۡ جَمِیۡعًا اِلَّا فِی قَرٰی مَحَصٰةٍ اَوۡ مِنْ وَّرَآءِ جَلۡبِیۡ اَسۡسِیۡمَ بَیۡنَہِمۡ لَئِیۡدِیۡ تَعۡسِیۡمَ جَمِیۡعًا و قُلُوۡبِہِمۡ شَتٰی (حشر آیه ۱۴)

منافقان هرگز همگی با مسلمانان به جنگ رو در رو نمی‌نهند بلکه همیشه از پشت حصارهای محکم و دیوارها یا شاسی‌چنگند سلابنشان بین خودشان شدید است و آنان را به شکل پنداری در صورتی که دل‌هایشان سخت متعرق و جدا از یکدیگر است. خداوند می‌گوید: علت اینکه منافقان خود را در مقابل مردم قرار نمی‌دهند به خاطر ترس از خداست بلکه دقیقاً به علت ترس از مردم می‌باشد. لَئِنۡمۡ اَشۡد رَہِیۡۃ فِی صُدُورِہِمۡ مِّنَ اللّٰهِ لَئِنۡ لَّکُمۡ یٰۤاَیُّہَا قَوْمَ لَایَقۡتَبُوۡنَ (حشر آیه ۱۴)

منافقان در دلشان بیشتر از مردم ترس دارند تا از خدا زیرا ایشان گروهی هستند که شناخت صحیحی ندارند.

طرز برخورد منافقین با رفقای کافر و نیز با خودشان و همچنین با مردم به خوبی مشخص می‌کند که منافقان با همه چیز و همه کسی از دیدگاه فرصت‌طلبانه روبرو می‌شوند. رسول اکرم می‌فرماید: منافق بگونه‌تنه کج درخت خرمائی است که صاحبش خواسته باشد از آن در ساختمانی استفاده کند و آنرا در هر جای ساختمان قرار دهد به ملت کمی به‌در نمی‌خورد و سرانجام تنه درخت این است که سوزانده شود (کافی ج ۴ باب سنة النفاق)

از مشخصات عمده منافقان عدم آگاهی آنان به بینش‌های خالص و ناب اسلامی است. منافقان نخواسته‌اند و یا نتوانسته‌اند خود را با فرهنگ اصیل اسلامی و ایام گسترده آن آشنا نمایند بنابراین شناخت بسیار سطحی و ساده اندیشانه از مکتب توحیدی اسلام دارند.

الاحزاب اشد کفرا و نفاقا واجدرا لا یملو احدوہما انزل اللّٰه علی رسولہ واللّٰه علیم حکیم (توبه آیه ۱۷)

یادوستی که احزاب پادیه نشینی که در نفاق و کفر از دیگران شدیدترند و به

در خبرها آمده است که حقوقدانان ایران از آقای محمد یکنفر از آقایان وکلای دادگستری تبریزی شهرام قبول و کسالت عضو جمعیت حقوقدانان ایران معاضدت می نمایند، اگر این نوعی همکاری خود را جهت حضور شهرام همان نوعی شهرامی باشد در دادگاه و دفاع از محکومین که با خیانت و فرصت طلبی شهرام به آقای دادستان کسل معروف تاریخی خود افکار و انقلاب اسلامی ایران اعلام عقاید و اصول مارکسیسم را داخل در اصول آینده نوسازی کرده است.

امضای نامه با این عبارت سازمان مجاهدین خلق نمود و پس است: وکیل معاضدت جمعیت از افتاء و اعتراض مجاهدین حقوقدانان ایران، دکتر هادی شهید شریف واقفی در صدقت او برآمد و اگر همان تقسی از آنجا که قبل از پیروزی

انقلاب اسلامی ملت ایران و زمانی که سردمداران این جمعیت هنوز ماهیت و اهداف واقعی خود را صریحا ابراز نکرده بودند اینجانب بجهت مبارزه با رژیم شاه عضو این جمعیت شدم و در اوج خفقان جهت سازمان دادن به مبارزه و کلا قضات هنگام با گروه های دیگر جامعه، حتی چند نفر از وکلای قضات دادگستری مشهد بوسیله من به عضویت این جمعیت در آمدند.

اینک وظیفه خود میدانم اولایه منظور اتمام حجت و رفع تکلیف نسبت بدان چند نفر که بوسیله من عضویت این جمعیت در آمده اند، و تا با بنظر روشنگری و هشدار نسبت با بر اعضای حقوقدانان ایران، مطالبی را عنوان و تذکره ده.

جمعیت حقوقدانان ایران بعد از پیروزی درخشان انقلاب اسلامی ملت بر نظام شاهنشاهی با موضوع گیری خاصی از حالت یک جمعیت حرفه ای و عهده کار انقلاب خارج شد و بعد از تشکیل جبهه دموکراتیک ملی

آقای حسین دهتری بر سخنرانی آقای خزیه و مسائل دیگر عملا و علما خط خود را از انقلاب و توجه مسلمان جدا کرد. مقارن این اوضاع و احوال و با درک و شناخت اهداف و خط فکری و جهت گیری های این جمعیت من از جمعیت حقوقدانان کنار رفتم و دیگران هم با شناخت اهداف و ضعف رسالت اشعرا دادند، منجمله آقای تامله (معاون وزارت دادگستری در زمان آقای صدر حاج سید جواد) لیکن بعزت عدم آگاهی و شناخت صحیح از جریان و موضوع گیری های سردمداران این جمعیت، و شاید هم علل دیگر، عمای از وکلای و قضات در این جمعیت داخل شدند.

اینک که می بینم جمعیت

جمعیت حقوقدانان ایران و مشخصات اعضای خود را منتشر کند تا مردم به کم و کیف اعضای جمعیت واقف و آگاه شوند.

مهدی اشرفی و شایان وکیل دادگستری

